



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۲۰۰

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سردبیر: سیاوش دانشور e.mail: [siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com) چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۷ آوریل ۲۰۱۱ - ۷ فروردین ۱۳۹۰

## به مناسبت اول ماه مه

چگونه حضور مستقل طبقه کارگر در راس تحولات  
جامعه را تامین کنیم؟

صفحه ۵

گفتگو با اعضای از هیات دایر حزب



## پیام حزب به طبقه کارگر به مناسبت اول ماه مه!

صفحه ۳

علی جوادی

اطلاعیه حزب بمناسبت اول ماه مه،

## نه به سرمایه داری!

## یک دنیای بهتر ممکن است!



## آینده ایران: دموکراسی یا سوسیالیسم؟ مردم چه می خواهند؟

صفحه ۹

آذر ماجدی



## موقعیت زنان در بازار کار

صفحه ۱۳

پروین کابلی

اعتصاب و اعتراض در  
پالایشگاههای نفت آبادان و اصفهان

اخبار و گزارشات کارگری، تظاهراتهای  
اول مه در ایران و خارج کشور و ...

## خانه گردی وسیع در تهران

نازنین اکبری



## یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

## اول مه،

## علیه "جهاد اقتصادی"، علیه گرانی و فقر

اول مه امسال در متن اوضاع پیچیده و پر تحولات  
برگزار میشود. نتیجه بحران اقتصادی جهان سرمایه  
داری برای طبقه کارگر جز فقر و بیکاری و انهدام  
خانواده و مصائب و مشقات شدید نبوده است. در  
کشورهای اروپائی کارگران حرف آخر را زده اند و  
کشمکش و مقاومت علیه طرح های ریاضت اقتصادی  
دولتها ادامه دارد. نه فقط چشم انداز بهبود بحران وجود  
ندارد بلکه اخیرا رئیس بانک جهانی به سکنه جدیدی که  
در راه است، و به قول او یک شوک فاصله تا بحران  
بعدی، اعتراف کرده است. تشدید بحران و تشدید تهاجم  
بورژوازی، تشدید رویارویی طبقه کارگر در کشورهای  
اروپای غربی با دولتهای سرمایه داری را در چشم انداز  
نزدیک قرار داده است. عبارتی موج پیامدهای بحران  
وسیعا به اروپا برمیگردد و همراه با تحولات کشورهای  
خاورمیانه و شمال آفریقا دامنه اش جهانی تر میشود.

اعتراض به سیاستهای سرمایه داری و حکومتهايش در  
کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، بدلیل مشخصات و  
ساختار سرمایه داری در این کشورها که متکی به  
اختناق عربیان و استثمار شدید نیروی کار ارزان است،  
ویژگی خود را دارد اما ماهیت مشترکی با اعتراض  
کارگران در اروپا و دیگر کشورهای جهان دارد. این  
جنبشی جهانی علیه سیاستها و نتایج مخرب نظام  
کاپیتالیستی است که زبان و بیان فشرده خود را در "نه"  
کارگران به سیاست ریاضت اقتصادی اعلام میکند.

در ایران و از نظر سیاست اقتصادی، حذف سوبسیدها و  
نتایج مخرب تاکنونی آن همراه با  
صفحه ۲

## اول مه،

### علیه "جهاد اقتصادی"، علیه گرانی و فقر ...

اعلام "سال جهاد اقتصادی" توسط خامنه ای، ادامه خشن سیاست ضد کارگری اعمال ریاضت اقتصادی سرمایه داری در همه جای دنیا است. تفاوت ایران اینست که حکومتش در بحرانی عمیق و قدیمی و مزمن قرار دارد، مردم از این حکومت بیزارند، و کشمکش های سیاسی در آن عمیق است. اوضاع وخیم بحرانی جهان سرمایه داری و عواملی دیگر مانند تحریمها و تند شدن سرعت فروپاشی اقتصادی و مالی، به مزمن تر شدن بحران قدیمی جمهوری اسلامی کمک کرده اند. همپنطور رویدادهای انقلابی در منطقه بر معادلات سیاسی و روشها و سیاستها و حرکت مردم در ایران تاثیر جدی داشتند و به بی ثباتی درون حکومتی و تشدید جدال جناح ها برای بقای حکومت کمک کرده اند. در یک کلام وضع سیاسی جمهوری اسلامی بدتر از آنست که به سیاست حذف سوبسیدها به شکل کنونی ادامه دهد و اعمال سیاست "جهاد اقتصادی" (بخوانید بردگی مطلق کارگران) را بطور جدی در دستور بگذارد. در شرایط کنونی مرکزی ترین سوال برای حکومت نفس بقا و تلاش برای دادن تصویر نوعی ثبات از حکومت به جامعه و دنیای بیرون است. و اتفاقا تداوم تهاجم به معیشت مردم، بویژه در متن رویدادهای منطقه خارومیانه و شمال آفریقا، بعنوان مهمترین عامل تشدید بحران و تبدیل آن به یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی و حکومتی عمل میکند.

طبقه کارگر و پیشروان کارگری باید از این تناقضات و معضلات حکومت در اتخاذ سیاست و تاکتیک مبارزه کارگری هوشیارانه استفاده کنند. در اول مه امسال در کنار دیگر مطالبات سراسری و برحق کارگران مانند حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، لغو کار قراردادی و شرکتهای واسطه پیمانی، انعقاد قرارداد مستقیم با شرکتهای و تامین امنیت شغلی، افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری مکفی و بیمه درمانی و غیره، ضروری است تقابل اول مه را متعین تر کرد. در حالی که جدال درون حکومتی بین باندهای ضد کارگر اسلامی در جریان است و در این میان بحث از میلیاردها دزدی و ریخت و پاش

است، کارگران باید روشن اعلام کنند که طرح ارتجاعی و ضد کارگری حذف سوبسیدها فوراً باید متوقف و دولت موظف به ارائه کالاها و نیازهای مردم با قیمت مناسب باشد. کارگران ضروری است علیه "سیاست جهاد اقتصادی" حکومت حرف بزنند و مخالفت خود را با آن اعلام کنند. در اول مه امسال باید سیاست واحد دولتهای سرمایه داری و تهاجم به طبقه کارگر تحت عناوین مختلف محکوم شود و فراخوان مقاومت و مبارزه گسترده علیه فقر و اختناق را داد.

حرف جنبش طبقه کارگر، جنبش کمونیستی کارگری، روشن و ساده است: بورژوازی و حکومتش موظف است آزادی و معیشت و حرمت و حقوق کارگران و مردم را تامین کند. اگر قادر به چنین کاری نیست کنار برود. طبقه کارگر و حکومت کارگری همه این حقوق و آزادیها را در بهترین و کامل ترین شکل آن تضمین میکند. اگر در جامعه بورژوائی، از هر مدلش از دیکتاتوری عریان تا دیکتاتوری دمکراتیک، فقط طبقه بورژوازی و بخشی از طبقه متوسط میتوانند از یک زندگی مرفه برخوردار باشند و اکثریت عظیم از این حق محرومند، حکومت کارگری مالکیت و آزادی و برابری و رفاه را همگانی میکند.

کارگران و فعالین کمونیست و سوسیالیست در اول مه امسال، در مراسمهای فابریکی تا اجتماعات و محافل و جلسات، ضروری است حرکت و تلاش خود را در پاسخ دادن به تهاجم سرمایه داری اسلامی متمرکز کنند و توجه جامعه و نیروهای سیاسی را به راه حل کارگری جلب کنند. ایران بسرعت صحنه کشمکش و رویارویی آزادیخواهی کارگری علیه فقر و گرانی و اختناق خواهد بود. در اول مه طبقه کارگر ضروری است افق و راه حل کارگری را طرح و برای آن نیرو بسیج کند.\*

۲۶ آوریل ۲۰۱۰

## پالایشگاه اصفهان،

### کشمکش بر سر افزایش دستمزد

بنا به خبر دریافتی، کارگران پالایشگاه نفت اصفهان که طی یکماه گذشته با پیمانکار در کشمکش بودند، سر افزایش حقوق با شرکت سنا به توافق نرسیدند. کارگران به دلیل عدم توافق شان از امضای قراردادهای کارفرما امتناع کردند.

در تمام این مدت و کشمکش کارگران با پیمانکار، کارفرمای پالایشگاه اصفهان سفت و سخت از پیمانکار حمایت کرده است. پیمانکار برای مقابله با کارگران حربه اخراج را در دست گرفت. مثلاً در بخش ابزار دقیق، کارگرانی که قاطعانه از امضای قرارداد با پیمانکار امتناع کردند، به جرم اینکه قرار داد ندارند به سر کار راهشان ندادند.

#### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۶ آوریل ۲۰۱۱

## پالایشگاه آبادان،

### اخراج ۲۸۰ کارگر

بنا به خبر دریافتی، شرکت ای سی سی مخفف شرکت ساختمان نصب که بخشی از کار طرح توسعه پالایشگاههای نفت آبادان را در دست داشت، با اتمام کار و در بعضی جاها بعلت اینکه نخواهد به کارگران افزایش حقوق سال جدید را بدهد و بتواند در سال جدید از نیروهای با حقوق کمتر استفاده کند، دست به اخراج نزدیک به ۲۸۰ نفر از کارگران مشغول کار در این پروژه زده است.

این اخراج دسته جمعی با اعتراض و اجتماع کارگران روبرو شده است. در آخرین اجتماع دهها نفر از این کارگران اخراجی مورد تهاجم پلیس ضد شورش قرار گرفتند. پلیس مبادرت به ضرب و شتم و پرتاب گاز اشک آور و دستگیری تعدادی از کارگران کرد.

علیرغم اعتراضات تاکنونی تا امروز دوشنبه ۵ اردیبهشت کماکان کسی بر سر کار برنگشته است.

#### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۶ آوریل ۲۰۱۱



اسلامی قرار گرفت. باید تلاش نیروهای جنبشهای ارتجاعی ناسیونالیسم پرو غربی و جنبش ملی - اسلامی را در حقیقت کردن آلترناتیوهای ضد کارگری، اسلامی و ناسیونالیستی خنثی کرد. باید اعتماد و باور بخش قابل ملاحظه ای از جامعه به آلترناتیو کارگری و کمونیستی را جلب کرد.

### رفقای کارگر

حزب اتحاد کمونیسم کارگری همه شما را بمنظور رهبری مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و سازماندهی یک انقلاب عظیم اجتماعی و استقرار حکومت کارگری به صفوف خود فرامیخواند. باید اول ماه را به روزی برای پیشروی مبارزات سرنگونی طلبانه توده های مردم، به روز اعتراضات و اجتماعات پرشور کارگری، به روز همبستگی بین المللی، به روز فریادهای آزادی، برابری، رفاه و یک دنیای بهتر و همچنین تخته پرشی برای گسترش اردوی آزادی و برابری و رفاه همگان، اردوی کمونیسم و کارگر، تبدیل کرد.

### علی جوادی

دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ آوریل ۲۰۱۱ - ۵ اردیبهشت ۱۳۹۰



# پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری به طبقه کارگر به مناسبت اول ماه مه!

## رفقای کارگر!

سلامهای گرم ما را به مناسبت اول ماه مه بپذیرید. امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر میرویم که از یک طرف توده های کارگر و زحمتکش در بسیاری از جوامع خاورمیانه و شمال آفریقا برای بزیار کشیدن رژیمهای سرمایه داری مستبد و ضد کارگر و بر سر آینده پا به میدان نبرد سهمگینی گذاشته اند. و از طرف دیگر نظام سرمایه داری در خیلی از کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی دچار عظیم ترین بحران اقتصادی و معضل بی اعتباری و عدم مشروعیت سیاسی است. در ایران نیز شرایط کم و بیش یکسان است. سالهاست که جامعه در تلاش برای خلاصی از شر حکومت اسلامی و تمامی مصائب ناشی از نظام سرمایه داری است. گویی بخشهایی از جامعه بشری در حال یک خانه تکانی عظیم اند. آنچه که تا چند ماه پیش در تبلیغات مدافعین نظامهای استثمارگر حاکم یک غیر ممکن بود اکنون با اعتراضات قدرتمند کارگر و توده مردم زحمتکش به واقعیتی شیرین و شوربخش تبدیل شده است.

رفقای کارگر جامعه بشری در دوره پرتحوالی از تاریخ خود بسر میبرد. تاریخی که میتواند نوید بخش آینده ای انسانی و یک زندگی بهتر باشد. آینده ای آزاد، برابر، مرفه برای همگان. آینده ای عاری از استثمار و مصائب و مشقات نظام سرمایه داری. آینده ای بدون تقسیم طبقاتی، بدون مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، بدون مزد بگیری، یک آینده انسانی و آزاد متکی بر اشتراک همگان در ثروت جامعه و در تعیین مسیر و سرنوشت آن.

رفقای کارگر ما در کنگره اخیر خود تاکید کردیم که برخلاف تحولات سیاسی دورانهای گذشته که کارگران و مردم زحمتکش هیچگاه در جدال بر سر قدرت سیاسی در جامعه و تحولاتش نمایندگی نمیشدند، این بار به لطف وجود جنبش عظیم کمونیسم کارگری، جنبش آنتی کاپیتالیستی طبقه کارگر و نیروی حزب یافته اش، و با توجه به موقعیت جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان و جوانان که میتوانند بزیر پرچم "آزادی، برابری، حکومت کارگری" متشکل شوند، بطور عینی شانس پیروزی دارند و میتوانند جامعه ایران را بطور بنیادی دگرگون کرده و یک نظام پایدار و متضمن خواستههای دیرینه توده های مردم را پایه ریزی کنند.

رفقای کارگر ما در آستانه اول ماه مه بار دیگر تاکید میکنیم که پیروزی جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم هر چه بیشتر به نقشی که کارگر و کمونیسم در این تحولات ایفا میکنند، گره خورده است. ما تاکید میکنیم که طبقه کارگر باید با پرچم مستقل سوسیالیستی خود، متشکل و منبسط، در این اعتراضات شرکت کند و رهبری آن را در دست گیرد. از این رو بر برپایی فوری و همه جانبه جنبش مجامع عمومی کارگری و سازمان یافتن آن و شکل دادن به شوراها کارگری و همچنین شوراها کارگران و مردم زحمتکش و جوانان در محلات از تاکیدات ماست. ما تاکید میکنیم که طبقه کارگر تنها با حزبش میتواند پیروز شود. از این رو باید متحزب شد. باید در راس اعتراض توده های مردم برای سرنگونی رژیم

این واقعیت شیرین تلاشی عظیم را در دستور ما قرار میدهد. تلاشی که تضمین کننده فردایی است که در آن کسی گرسنه نباشد، کسی بیسواد نباشد، کسی شب را در خیابان بسر نبرد، کودکی از گرسنگی و سوء تغذیه جان خود را از دست ندهد. استعداد و خلاقیت هیچ انسانی بخاطر تولدش در صفوف طبقه کارگر و محروم نابود نشود. آرزوها و آمل توده انسان کارکن بخاطر سود و انباشت سرمایه به خاک سپرده نشود. فردایی که جایی از زن ستیزی در آن نباشد. زن انسان فرودستی نباشد، زن بودن جرم نباشد. خرافات و تحجر و عقب ماندگی و مذهب زندگی مردم را در چنگال خود به اسارت نگرفته باشد. کسی برای زندگی ناچار نباشد نیروی کار خود را به فروش

اطلاعیه حزب بمناسبت اول ماه مه،



## نه به سرمایه داری! یک دنیای بهتر ممکن است!

همه جای جهان علیه فقر و اختناق و برای آزادی و برابری و رفاه دفاع کرد. باید صدای کارگران مصر و ایران و فرانسه و یونان و کره و ترکیه و همه جا با سرود انترناسیونال درهم آمیزد و ندای رهایی بشریت سر دهد. اول مه سنت جنبش بین المللی کمونیستی طبقه کارگر است. اول مه روز صاحبان واقعی این دنیا است. اول مه را گرامی میداریم چون کارگر و جنبش سوسیالیستی اش تکیه گاه انسانی جامعه امروز است. بدون اعتراض کارگری و بدون انتقاد کمونیستی کارگری، سرمایه داری یک بربریت تمام عیار را در مقابل بشریت میگذارد.

کارگران جهان متحد شوید! پرچم انقلاب کارگری را برافرازید و در نبرد جهانی علیه سرمایه سنگرها را یکی بعد از دیگری فتح کنید! ما کارگران در این جدال چیزی جز زنجیرهایمان برای از دست دادن نداریم، اما جهانی را بدست خواهیم آورد!

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۳ فروردین ۱۳۹۰ - ۱۲ آوریل ۲۰۱۱

روز اعلام بی اعتباری نظام سرمایه داری و روز اعتراض طبقه کارگر به نظام بردگی مزدی در سراسر جهان است. کارگران در این اوضاع باید در مقابل راه حلهای طبقات حاکم و اپوزیسیون بورژوائی، راه حل کارگری و رهاییبخش خود را قرار دهند. در اول مه اعلام کنیم: نظام سرمایه داری و حکومت هایش باید گورشان را گم کنند! قاطعانه اعلام کنیم ما کارگران که هر روز چرخهای این دنیا را بحرکت در می آوریم، خود میتوانیم آنرا اداره کنیم! ما کارگران میتوانیم جامعه ای بسازیم که هر کس به اعتبار انسان بودن از کلیه مواهب زندگی اجتماعی که حاصل کار و تلاش جمعی ماست بهره مند شود و به اندازه توانش در رفع نیازمندیهای همگان بکوشد. جامعه ای فارغ از استثمار، طبقات و تفاوتهای طبقاتی، جامعه ای عاری از هر گونه تبعیض و نابرابری. یک جامعه آزاد کمونیستی!

در اول مه امسال همراه با اعتراضات و خیزشهای توده ای در گوشه و کنار جهان، باید بیش از هر زمان بر اتحاد انترناسیونالیستی و بر اهداف و منافع واحد و جهانی طبقه کارگر تاکید کرد. باید با قاطعیت از تلاش طبقه کارگر در

بیکار سازی، تشدید استثمار بخش شاغل طبقه کارگر، کاهش و انجماد دستمزدها، و تحمیل فقر بیشتر است. سیاست حکومتهای سرمایه داری اینست که هزینه بحران را روی دوش طبقه کارگر بگذارند. متقابلاً کارگران اعلام کرده اند که هزینه بحران سرمایه را نمیدانند. کارگران در ابعاد میلیونی در فرانسه و یونان و آمریکا و پرتغال و انگلستان و دیگر کشورهای اروپائی علیه این وضعیت اعتراض و مقاومت میکنند. کارگران در کشورهای خارومیانه و شمال آفریقا هم ماهیتا خواست مشترکی دارند. کارگران در این کشورها از فقر و بیحقوقی و سرکوب دیکتاتوریهای سرمایه به تنگ آمده اند. در ایران جمهوری اسلامی در عمیق ترین بحران حکومتی دست و پا میزند. یورش بورژوازی اسلامی به معیشت طبقه کارگر و تشدید گرانی و فقر، رویارویی توده ای کارگران و محرومان با حکومت اسلامی را بیش از پیش در چشم انداز قرار داده است.

اول ماه مه ۲۰۱۱ یکبار دیگر

نظام سرمایه داری در بحران عمیقی بسر میبرد. نه فقط نشانه ای از بهبود و تخفیف جدی بحران بچشم نمیخورد بلکه بر دامنه کشورهای سرمایه داری که با فروپاشی اقتصادی مواجهه اند افزوده میشود. این واقعیت بیش از هر چیز نشاندهنده ورشکستگی سیستم سرمایه داری در تامین نیازهای اولیه زندگی توده های عظیم مردم محروم است. امواج انقلابی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و اعتراض توده ای علیه فقر و بیکاری و فساد و دیکتاتوری، یک نتیجه بحران اقتصادی جهان سرمایه داری و واکنش طبقه کارگر و توده های مردم محروم به این بحران است. سرمایه داری در تمامیت خود با بحران اقتصادی و بی اعتباری توده ای روبروست. کارنامه این نظام با سازماندهی برده وار استثمار کار مزدی، سرکوب سیاسی، تبعیض، فقر و بیکاری، جنگ و قتل عامهای فجیع، تروریسم و میلیتاریسم، و ضدیت با آرمان و تلاش بشریت کارگر برای رهایی عجین است.

در مقابل بحران عمیق سرمایه داری جهانی، راه حل بورژوازی در تمام کشورها سیاست ریاضت اقتصادی، تعدیل نیروی کار و

## زنده باد جنبش مجامع عمومی، زنده باد شوراهای کارگری!

### کارگران! در اعتراضات جاری به مجمع عمومی متکی شوید!

### مجمع عمومی تجمع طبیعی کارگران و ظرف اعمال اراده

### مستقیم و مستمر توده کارگران است!





جامعه را پیرامون اردوی خود قطبی و پلاریزه کنند.

۲- اما انتخاب جامعه یک انتخاب سیاسی و مادی است. مقبولیت و مطلوبیت سیاسی یک پایه آن است اما تمام آن نیست. فاکتورهای دیگری از جمله قدر بودن، قابل اتکاء بودن، مورد اعتماد واقع شدن و مجموعه ای از فاکتورهایی این چنینی در این چهارچوب تعیین کننده است. از این رو تلاش ما علاوه بر طرح همیشگی سیاست ها و جلب نیرو به اردوی خود در عین حال باید متوجه ایجاد امکانات و توانی باشد که قدرت جاذبه عمیقی در جامعه ایجاد کند. تلاشی که اعتماد توده کارگر و مردم زحمتکش را به قابل تحقق بودن چنین پروژه ای جلب کند. نمیتوان از توده مردم انتظار فداکاری و قرار گرفتن در این اردو را داشت بدون آنکه به درجه ای قابلیت تحقق این آلترناتیو اثبات شده باشد. در این راستا چنانچه طبقه کارگر با جنبش خود بطور متشکل و با پرچم سوسیالیستی وارد میدان جدال بر سر قدرت سیاسی شود، بخش مهم این معمای عظیم حل خواهد شد. آن زمان خاطره ها یاد آور روزهایی خواهد شد که جامعه فریاد میزد، "کارگر نفت ما، رهبر سرسخت ما!" و این بار اگر کارگر با حزب متشکل و کمونیستی خود، حزبی مانند حزب اتحاد کمونیسم کارگری، پا به این عرصه بگذارد آن زمان شمارش معکوس شده، شانس آلترناتیوهای راست و مرتجع به شدت افت خواهد کرد. از این رو طبقه کارگر باید متشکل شود، باید متحد شود. آیا باز هم

## به مناسبت اول ماه مه

### چگونه حضور مستقل طبقه کارگر در راس تحولات جامعه را تامین کنیم؟

گفتگو با اعضای از هیات دایر حزب

که این جریانات در مقابل تحولات جامعه قرار میدهند یک امر همیشگی ماست.

از نقطه نظر ما مساله محوری این است که چگونه طبقه کارگر و کمونیسم میتوانند در شرایطی که جامعه دستخوش یک تحول عظیم اجتماعی است در راس این اعتراضات قرار گرفته، آن را رهبری و هدایت کنند، توده عظیم مردم را به اردوی آلترناتیو رهاییبخش و سوسیالیستی خود جلب کنند تا بتوانند یک جامعه آزاد و برابر و مرفه را پایه گذاری کنند. در حل این معادله به چند فاکتور باید اشاره کرد:

۱- در درجه اول باید تاکید کرد که "همه با همی" در کار نیست. جامعه به دو اردوی چپ و راست تقسیم خواهد شد. جریانات ملی - اسلامی مفلوک تر از آنند که آلترناتیوی برای آینده سیاسی در ایران باشند. در یک طرف کارگر و کمونیسم، جنبش کمونیسم کارگری، جنبش آزادی زن و جنبش خلاصی فرهنگی جوانان قرار دارد و در طرف دیگر معادله جریانات راست و محافظه کار پرو غربی. هرگونه تلاش برای ایجاد "اتحاد" میان این دو اردو تلاشی برای به مسلخ بردن کارگر و کمونیسم است. در این چهارچوب همانطور که منصور حکمت در سمینار "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" تاکید کرده است، دو پروسه برای به قدرت رسیدن اردوی ما قابل تصور است. یکی انقلاب و دیگری انتخابات آزاد در فردای سرنگونی رژیم اسلامی است. و مساله انقلاب کارگری به این امر گره خورده است که آیا کارگر و کمونیسم توان آن را دارند که رهبری این اعتراضات را در دست بگیرند؟ آیا آن نیرویی میتوانند بشوند که در پس تحولات جامعه به راس اعتراضات عروج کنند و

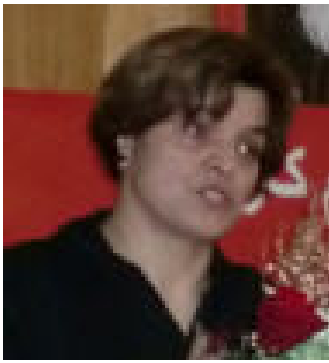
داری "اصلاح شده" رضایت دهیم و یا توهمی داشته باشیم. ما برای بهبود روزمره موقعیت کارگر و توده مردم زحمتکش مبارزه میکنیم بدون آنکه ذره ای توهم به سرمایه داری با چهره "انسانی" داشته باشیم.

اما پردازم به سؤال شما، واقعیت این است که اتفاقا در دوران کنونی بیش از هر زمان شرایط جامعه برای تغییرات بنیادی و دگرگون کننده آماده و مهیا است. مناسبات مردم با رژیم اسلامی کاملا تغییر کرده است. ما با جامعه ای روبرو هستیم که هر لحظه میتواند منفجر شود. خرمی است که با هر جرعه ای میتواند شعله ور شود. مساله تغییر قدرت سیاسی علاوه بر تغییر شرایط کار و زندگی در دستور روز جامعه است. و مساله اساسی این است که چگونه کارگر و کمونیسم جامعه میتوانند تضمین کنند که در این تحولات نه تنها با موجودیت رژیم کتیف اسلامی تعیین تکلیف شود بلکه این تحولات در کم مشقت ترین شکلی به نظامی آزاد، برابر، مرفه، یک جامعه آزاد کمونیستی دگرگون شود. مسلما ما برای چنین چشم انداز و هدفی مبارزه میکنیم. در عین حال عمیقا واقفیم که این تنها آلترناتیو آینده نیست.

اپوزیسیون بورژوازی، جریانات راست و محافظه کار پرو غربی نیز یک پای جدال بر سر آینده اند. از این رو تلاش برای خنثی کردن آینده ای که در آن بار دیگر طبقات استثمارگر ماحصل تلاش و فداکاری جامعه را از آن خود کنند، یک وظیفه دائمی حزب اتحاد کمونیسم کارگری است. کنار زدن موانع و ایستگاههایی

یک دنیای بهتر: اول ماه نزدیک است. علاوه بر تلاش برای بهبود شرایط کار و زندگی و حقوق مدنی مساله اساسی تری در محور جدالهای جامعه قرار دارد. چگونه از شر رژیم اسلامی باید خلاص شد؟ کدام آینده در چشم انداز است؟ چگونه طبقه کارگر میتواند یک آینده شایسته انسان را برای همگان فراهم کند؟ حلقه های گرهی در این راستا کدامند؟

علی جوادی: اجازه دهید قبل از آنکه به کلیت سؤال شما پردازم به این نکته اشاره کنم که دیوار چینی تلاش ما برای تغییرات بنیادی را از تلاش برای اصلاح و بهبود وضع موجود جدا نمیکند. ما با همان شدتی که برای انجام انقلاب کارگری و نابودی مناسبات استثمارگراییانه طبقاتی موجود مبارزه میکنیم، با همان شدت هم روزمره برای بهبود شرایط کار و زندگی و حقوق مدنی کارگر و تمامی شهروندان جامعه مبارزه میکنیم. انقلاب اجتماعی امری نیست که بنا به اراده ما در هر زمان قابل تحقق باشد. یک واقعیت عینی و اجتماعی و تاریخی است. محصول یک دگرگونی عمیق و تلاقی عظیم اجتماعی و طبقاتی در جامعه است. هر روزه قابل تحقق نیست. دوره ای و تاریخی است. از این رو مبارزه برای رفرم و اصلاحات یک رکن تلاش دائمی ماست. اما در عین حال توضیح میدهم که هیچ رفرم و اصلاحی مادام که ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه و نظام حاکم را دست نخورده نگاه داشته باشد نمیتواند پایدار باشد، نمیتواند جامعه را از شر مبنای پایه ای و تعیین کننده ستم و استثمار و تبعیض طبقاتی و اجتماعی موجود خلاص کند. ما برای اصلاحات مبارزه میکنیم بدون اینکه ذره ای به سرمایه



# به مناسبت اول ماه مه

چگونه حضور مستقل طبقه کارگر در راس تحولات جامعه را تامین کنیم ...

میشوند و کارگران دیگری استخدام میکنند. بخاطر فضای ارباب و تهدید به اخراج، کارگران برای تداوم کار به زمانی نیاز دارند که کارگران دیگر را بشناسند و مجددا فضای اعتماد و همسرنوشتی بین کارگران در محیط کار ایجاد شود. چنین معضلاتی باعث میشود که سنت مجمع عمومی - شورائی کارگران به سختی پیش برود. با اینحال مسئله ایجاد تشکلهای توده ای کارگران در مراکز اصلی کارگری یک سوال محوری و در جریان است. امروز جنبش کارگری علیرغم تمام موانع و مشکلاتی که دارد، در این راستا گام برمیدارد و شاهد انواع تلاش برای متشکل شدن میان کارگران در صنایع بزرگ هستیم. بخصوص در مراکز اصلی که کارگران حرفه ای مشغول بکار هستند. بطور عمومی میتوان گفت امروز در خیلی از پتروشیمها و یا پالایشگاههای نفت و گاز و صنایع بزرگ کارگران کم و بیش مجمع عمومی خود را تشکیل میدهند و تلاش دارند خواسته ها و مطالباتشان را از این طریق پیگیری کنند. امروز سنت مجمع عمومی و ایجاد شوراهای وسیعتر و شناخته شده تر از هر زمانی برای توده کارگران است و عملاً کارگر قدرت خود را در آن میبیند و از آن استفاده میکند. کارگران در این مراکز و طی اعتصابات و اعتراضات، علیرغم همه موانع و تهدیدات رژیم، به این نکته مهم رسیده اند که بدون اعمال قدرت جمعی نمیتوان به هیچ نتیجه ای رسید. در نتیجه باید متشکل شد. چند وقت پیش با یکی از کارگران در تبریز صحبت می کردم و او با حرارت زیادی از اینکه نه تنها مجمع

اطلاعات روبرو شدند. مسئله دیگر شرایط کار طبقه کارگر است که مسئله سازمانیابی را حادث کرده است. بسیاری از کارگران قراردادهای موقت دارند و یا کارهای پروژه ای میکنند. یعنی بعد از اتمام هر پروژه کارگران بیکار میشوند و محل مربوطه را ترک میکنند. در واقع روز از نو روزی از نو و کارگران دربر دنبال کار جدید هستند. عدم ثبات کارگران در یک مرکز صنعتی که نتیجه قراردادی شدن کار و ورود شرکتهای پیمانی و واسطه به بازار کار است، یک نوع ناامنی مزمن شغلی و موقعیتی برای کارگران ایجاد میکند که تاثیر فوری اش بر ایجاد تشکل کارگری در هر مرکز صنعتی عریان است. کارگران در خیلی از مراکز مجمع عمومی خود را برگزار کردند. مثلاً کارگران سیمان کرمانشاه مرتب در ساعات استراحت ظهر مجمع عمومی را برگزار میکردند اما بعد از مدتی تعداد زیادی از این کارگران قراردادی با اتمام قراردادشان از این مرکز بیرون آمدند و همین باعث شد که در این مرکز دیگر مجمع عمومی کارگران تشکیل نشود. به هر حال این یک گره است که در جا انداختن سنت مجمع عمومی - شورائی و بطور کلی ایجاد تشکل کارگری بعنوان عامل منفی عمل میکند.

بنظر من در خیلی از مراکز کارگری سنت مجمع عمومی و شورا دارد پا میگیرد و اقدامات جدی و سازمان یافته ای را در دستور خود بگذارد. یک معضل جدی امروز موقعیت اقتصادی است. هر روز مراکز کار تعطیل می شوند. قرارداد کارگران تمام شده است. پیمانکار و یا شرکت عوض میشود. با عوض شدن اینها یک جابجائی هائی میان کارگران صورت میگیرد. عمدتاً یک سری از کارگران اخراج و یا بیکار

خلاصه کنم، واقعیت شیرین این است که ما شانس پیروزی داریم. میتوانیم پیروز شویم. اما مسیری که باید طی شود الزاماً سرازیری نیست. دریچه ای به روی ما باز است. از این دریچه میتوان چشم انداز یک دنیای زیبا و انسانی و شاد و مرفه و خوشبخت را مشاهده کرد. مساله این که آیا میتوانیم این پلکان را طی کنیم؟ مساله این است که انتخاب دیگری در مقابلمان نیست. باید تمام آزادی را خواست، تمام رهایی را خواست. تمام خوشبختی و سعادت را خواست. ما مخیر نیستیم. باید برای تمام پیروزی تلاش کنیم.

**یک دنیای بهتر:** یک رکن تامین حضور مستقل طبقه کارگر مستلزم شکل گیری تشکلات توده ای کارگران در تحولات جاری است. اما مساله تشکل پایه کارگری کماکان یک مساله گرهی در مبارزات جاری است. بنظر شما اکنون در کجای این مسیر قرار داریم؟ مسائل و موانع مقابل ما کدامند؟ چگونه باید مسائل پیشاروی را حل کرد؟ چگونه تشکلات کارگری - کمونیستی میتوانند در راس اعتراضات جامعه قرار گیرند؟ چه باید کرد؟

**نسرین رمضانعلی:** روشن است که مهمترین مانع مقابل ایجاد آزادانه سازمانها و تشکلهای توده ای توسط خود کارگران فضای ارباب و سرکوب جمهوری اسلامی است. کارگران به مجرد اینکه تلاش کردند تشکلهای واقعی خود را سازمان دهند بلافاصله با تعرض اوباش حراست و شورای اسلامی و بسیج و

باید تاکید کرد که طبقه کارگر بدون حزبش به پیروزی نمیرسد؟

۳- فاکتور مهم دیگر این است که جامعه ای که در حال طغیان و تحول است، در هر حال دارد به وضع موجود "نه" میگوید. سؤال این است که کدام "نه" در راس اعتراضات قرار میگیرد. "نه" به گوشه از وضعیت موجود یا "نه" به کلیت نظام اسلامی و سرمایه داری؟ "نه" به ذره ای از نابرابری و تبعیض یا "نه" به تمامی اشکال و همچنین مبانی نابرابری سیاسی و طبقاتی در جامعه؟ "نه" به گوشه ای از استبداد و خفقان و بی حقوقی یا "نه" به هر آنچه که نافی حقوق آزاد و برابر شهروندان جامعه است؟ "نه" به بخشی از زن ستیزی یا "نه" به هر آنچه که باعث تحقیر و فرودستی و ستم بر زن است؟ "نه" به گوشه از حاکمیت مذهب در حکومت و شئون زندگی اجتماعی یا "نه" به تمامیت آن؟ "نه" به ذره ای استثمار یا "نه" به کلیت مبانی و پایه های استثمار و کار مزدی در جامعه؟ مساله این است. تبلیغات و پراوتیک روزمره ما باید چنین جهت و چهارچوبی داشته باشد.

۴- تاکید آخر من بر کارها و مشغله های این کمونیسم است. ما مدتی است که از کمونیسم سازمانده و رهبر صحبت میکنیم. این یک ویژگی متمایز کننده ما از سایر جریانات مدعی کمونیسم است. این تلاش تاکنون نتایج مهم و تعیین کننده ای برای جریان کمونیسم کارگری نداشته است. این یک حلقه گرهی است. متحقق کردن شرایط ذکر شده در بالا تماماً در گرو پیشبرد دائمی این امر است.



# به مناسبت اول ماه مه

چگونه حضور مستقل طبقه کارگر در راس تحولات جامعه را تامین کنیم ...

حضور مستقل طبقه کارگر در تحولات سیاسی ایران است، یعنی اینکه طبقه کارگر بعنوان یک جنبش سیاسی و طبقاتی با پرچم و سیاست مستقل، در تمایز با کل بورژوازی حکومتی و اپوزیسیونی، و برای اهداف کمونیستی و سوسیالیستی خود بمیدان بیاید و برای پیروزی بجنگد. نه فقط تجارب طبقه کارگر در ایران بلکه تجربه جنبش بین المللی طبقه کارگر نشان میدهد اگر طبقه کارگر در هر تحول سیاسی بعنوان یک جنبش متمایز و یک راه حل سیاسی بمیدان نیاید، غلیرغم هر تلاشی نه فقط به نیروی جنبشهای طبقات دارا و ضد کارگر تبدیل میشود بلکه خود در صف اولین قربانیانی است که در فردای پیروزی بورژوازی باید به مسلخ برود.

بنا براین اولین و اساسی ترین تاکید حزب اینست که بحث برسر قدرت و دولت و حکومت است. بحث بسادگی برسر اینست که ما یا آنها؟ آزادی یا اختناق؟ حکومت کارگری یا حکومت بورژوائی؟ سوسیالیسم یا سرمایه داری؟ رفاه یا فلاکت؟ حکومت سکولار و پیشرو یا حکومت مذهبی و قومی؟ آزادی زن یا آپارتاید جنسی و مردسالاری؟ آیا طبقه ما میخواید از نظر اقتصادی جنبشی صرفا مطالباتی و از نظر سیاسی گروه فشاری برای پیشروی یک جنبش بورژوائی باشد یا میخواید خود راسا زمام امور را بدست بگیرد؟

در جامعه سرمایه داری طبقه کارگر مهمترین و کلیدی ترین و پیشروترین

جنب و جوش برای ایجاد و گسترش تشکل کارگری وسیع تر است. این فی النفسه یعنی تلاش و اعلام حضور کارگران پیشرو و سوسیالیست و کمونیست و قد علم کردن جنبش کارگری. بنظرم پله بعدی اعلام رسمی این تشکلهای توده ای است. این تشکلهای ایجاد شده باید تجارب خود را در شرایط خفقان و سرکوب جمهوری اسلامی با دیگر بخشهای طبقه کارگر شریک شوند و آنها را انتقال دهند. همانطور که تشکل شان را به اداره کار و مدیریت و پیمانکار تحمیل کردند و مجبورشان کردند آنها را برسمیت بشناسند، گام بعدی اینست که بطور علنی و رو به جامعه و رو به هم طبقه های خود صحبت کنند.

تلاش کنیم این تشکلهای محلی باقی نماند و سراسری بشود. خواست فرضا 2 میلیون افزایش دستمزد در آبادان باید خواست کارگر پالایشگاه بندر عباس و نفت شهر و کرمانشاه و اصفهان و تهران باشد.

**یک دنیای بهتر:** تحزب کمونیستی طبقه کارگر، متحد کردن گرایش رادیکال - سوسیالیست کارگران رکن دیگر حضور مستقل کارگر در راس تحولات جامعه است. تاکیدات حزب در این چهارچوب کدام است؟ معضلات و حلقه های گرهی کدامند؟

**سیاوش دانشور:** کشمکش طبقات اجتماعی نه بلاواسطه بلکه از طریق جنبشها و احزاب سیاسی صورت میگیرد. در هر تحول سیاسی راست و چپ در یک مقیاس سراسری تر در مقابل هم قرار میگیرند. احزاب سیاسی ای که توانسته اند به نماینده و حزب سیاسی و در برگیرنده جنبش سیاسی و طبقاتی شان تبدیل شوند، امکان عملی و مادی شرکت در جدال قدرت می یابند و بطور عینی شانس پیروزی دارند. وقتی بحث از

اگر چه سرکوب شده بود و کمتر می توانست در حکومت شاه ابراز وجود بکند اما با تغییر در اوضاع شوراها عین قارچ سبز شدند. با سرکار آمدن جمهوری اسلامی و صدور حکم بنی صدر که "شورا پورا مالیده"، تعرض وسیعی آغاز شد و با اعلام انحلال شوراهای کارگران و دستگیری رهبران کارگری کمونیست و پیشرو بخش زیادی را به جوخه های اعدام سپردند و تعداد بیشتری را زندانی یا اخراج و فراری دادند.

امروز که تقریبا بیش از 3 دهه از آن تجربه شوراها در انقلاب ۵۷ ایران میگذرد. نسلی از فعالین کمونیست و سوسیالیست مشغول به سازماندهی هستند که اولاً تجاربشان با تجارب نسل کارگران دوران انقلاب متفاوت تر است. دیدشان به سازماندهی کمونیستی طبقه خیلی روشنتر است و بنظرم این نقطه امید بزرگی است. به این همه اعتصابات و اعتراضات در پتروشیمی ها از تبریز و ماهشهر و عسلویه نگاه کنید. به مبارزان در ذوب آهن و پالایشگاههای نفت، ماشین سازها و بسیاری مراکز بزرگ و کوچک دیگر. اینها دیمی نیست و کارگران خودجوش به خیابان نمی آیند و در مواردی بیش از 2 هفته اعتراض و اعتصاب کنند تا به خواستهایش برسند؟ اینها همه با تلاش فعالین کارگری و هوشیاری و توانائی آنها در شرایط بسیار نابرابر میسر شده است. بنابراین تصویر واقعی این هست که همین امروز کارگران در فاز و مرحله ای هستند که تشکلهای خود را بدرجاتی سازمان دادند و یا

عمومی بلکه شورای مستقل خود را دارند و به طور روتین مجامع خود را تشکیل میدهند، این روش کار آنجا سنت شده است و حتی اداره کار و مدیریت و غیره را مجبور کردند که شورا را به رسمیت بشناسند سخن میگفت. اگر خلاصه کنم موقعیت تشکل یابی کارگران و تلاشها برای ایجاد تشکلهای توده ای یک سیر رشد را داشته است و این جای خوشحالی و امید است و صد البته باید تلاش کنیم این تجارب را بیشتر منعکس کنیم و انتقال بدهیم که حتی در مراکزی کوچکتر و به لحاظ تولیدی هم کم اهمیت تر در اقتصاد کشور میتوانند با ایجاد مجامع عمومی و شوراهای خود و درگیر کردن همه کارگران راحتتر به خواستهایشان برسند. از فرصتهای ایجاد شده برای اعلام حضور و ایجاد و اعلام تشکل واقعی کارگران بهره بجوبند و از این طریق مشروعیت این تشکلهای را بعنوان تشکلهای مستقل کارگران به نهادهای حکومتی تحمیل کنند.

در ادامه سوال شما آمده است چطوری باید رهبران کمونیست در راس اعتراضات جاری قرار بگیرند. من باید اینجا کوتاه اشاره کنم که طبقه کارگر در دوره شاه هم تحت خفقان بود اما کارگران مبارزات زیادی کردند که در انقلاب ۵۷ با ایجاد شوراها که دربرگیرنده توده های وسیع کارگران بودند، تلاش کردند در راس اعتراضات قرار بگیرند و با ایفای نقش درخورشان نهایتاً سرنگونی حکومت قبلی را ممکن کردند. در دوران انقلاب شاهد بودیم چه سریع شوراهای کارگری در بیشتر مراکز کارگری ایجاد شدند. بنابراین این تجربه آنهم سه دهه پیش، تنها میتواند یک معنی داشته باشد و آن اینست که سنت شورائی کارگری

# به مناسبت اول ماه مه

چگونه حضور مستقل طبقه کارگر در راس تحولات جامعه را تامین کنیم ...

کارگران در همه جا علیه سرمایه داری و سیاستهای سخن خواهند گفت. کارگران در ایران نیز میتوانند گوشه ای از این تصویر باشند. جنبشی که از اعتراضات کارگران در همه جای جهان علیه سرمایه داری دفاع میکند و بر ضرورت راه حل کارگری در مقابل راه حل دولتها و حکومتهای متفرقه سرمایه داری تاکید میکند. اول مه فرصتی است که با شوریدن علیه سیاستهای ریاضت اقتصادی در عین حال پاسخ خامنه ای مرتجع و سیاست اسلامی "جهاد اقتصادی" را داد، علیه سیاست حذف سوبسیدها و گرانی و فقر فریاد زد، و بر ممکن بودن جامعه ای آزاد و برابر و مرفه تاکید کرد. حرف من اینست که کارگران همیشه مطالبه ای از کسی طرح نمیکنند، بلکه برای تحقق مطالباتشان به نیروی خود میجنگند. اما برای اینکه این جنگ در حواشی سیاست گم و گور نشود و به جنگی مهم و تعیین کننده و موثر در صفتبندیهای جامعه تبدیل شود، باید رهبران کارگری برای طرح حرفهایشان خود را تا سطح رهبر آزادی جامعه بالا بکشند. و تنها در چنین تصویری از خود و بالا بردن واقعی خود به این موقعیت است که افق پیروزی کارگری باز میشود، امیدها و چشمها به سمت جنبش کمونیستی طبقه کارگر برمیگردد، تشکل حزبی و سیاسی و توده ای طبقه قوام بیشتری میگیرد، و استقلال سیاسی و فکری و برنامه ای و تشکیلاتی طبقه کارگر در مقابل کل اردوی بورژوازی تامین میشود.\*

همواره آنها را عنوان کرده اند. اما در هر مقطع مبارزه کارگری روی مسائلی خاصی متمرکز میشوند که قدرت بسیج عمومی دارد. امروز اعتراض به فقر و گرانی و خواست افزایش دستمزد، و اعتراض به کار قراردادی و شرکتهای پیمانی که عملاً بازار کار را قبضه کرده اند و مثل هزارپا به جان کارگران افتاده اند، و تلاش برای شرایط بهتر استخدام و تامین امنیت شغلی درجه هائی است که کارگران را در شرکتها و موسسات بزرگ متحد میکند و بمیدان می آورد. کارگر قراردادی و غیر قراردادی و روزمزد و غیره را کنار هم قرار میدهد و برای دخیل کردن و متکی شدن به توده کارگران معترض راهی جز متکی شدن به سنت مجمع عمومی - شورائی وجود ندارد. بدرجه ای که کارگران در این چهارچوب و برای بهبود و رفاه جلو می آیند مکان اجتماعی آنها در جامعه سنگین تر میشود و امکان طرح خود بعنوان یک راه حل را بیشتر پیدا میکنند.

در اول مه اما باید فضای کارخانه را ترک و به جامعه در وسعت جهانی اش آمد. دنیا دارد به ایران هم نگاه میکند و همه در انتظار دور جدیدی از اعتراض و قیام مانند یقیه کشورهای منطقه اند. در اول مه

سیاست کمونیسم کارگری در ایندوران پرتحول تلاش برای رفع موانع تشکل حزبی و توده ای کارگران و بمیدان کشیدن نیروی این جنبش بعنوان یک نیروی آلترناتیو است. اما کارگران مادام که جمهوری اسلامی و شمشیر خونین اش سرچایش است ناچارند که در میدان مین جلو بروند. ناچارند با در نظر گرفتن مجموعه شرایط و تناسب قوا حرف بزنند و در عین حال برای تغییر تناسب قوا تلاش کنند. کارگران در این اوضاع باید بر نقاط قدرت شان متکی شوند و از این درجه پیشروی جنبش شان را تامین کنند. بعنوان مثال یکصدائی کارگران در قبال کار قراردادی و لغو آن و یا نفی شرکتهای انگل پیمانی بعنوان واسطه قرارداد و استخدام شدن توسط شرکتها، از میان دیگر مطالبات کارگران ظرفیت بیشتری برای پیروزی دارد. چون اولاً صنایع بزرگ نیازمند نیروهای متخصص و فنی اند که فی الحال کمبود آنها دیده میشود، و ثانیاً تحرک در این صنایع برای کارگران بنا به اهمیت اقتصادی این مراکز برای حکومت زودتر نتیجه میدهد. ثالثاً تحرک در صنایع مهم کارگری و هر درجه پیروزی و برداشتن گامهایی بجلو، هم اتحاد و تشکل تاکنونی کارگران را تقویت میکند و هم توجه ها را در جامعه و در قلمرو سراسری تر به تحرک جنبش کارگری معطوف میکند. در نتیجه بحث برسر تاکتیکهای مبارزاتی طبقه کارگر در شرایط کنونی برای پیشروی دقیقاً با بحث تامین استقلال سیاسی طبقه کارگر در تحولات جاری مربوط است. کارگران همه نوع مطالبه سیاسی و رفاهی دارند و

جنبش اجتماعی است که تاریخاً هر نوع بهبود در حقوق و رفاه شهروندان رابطه مستقیمی با تلاشهای این طبقه دارد. مسئله اساسی اینست که در یک جامعه بحران زده، متحول و در حال سقوط، حتی تحقق مطالبات رفاهی و آزادیهای کارگران خواهان آند، بدون درگیر شدن در جدال قدرت سیاسی بعنوان یک نیروی قدرتمند و سراسری و آلترناتیو عملی نیست. مهمتر اینکه، جامعه به بعد از جمهوری اسلامی فکر میکند و دنبال راه حل میگردد. این راه حل میتواند و مطلوب است که راه حل کارگری باشد. راه حل سیاسی طبقه کارگر میتواند به انتخاب مردم تبدیل شود. جنبش کمونیستی طبقه کارگر این ظرفیت را دارد که سرعت پتانسیل آزادیخواهی، برابری طلبی، سکولاریسم و رفع تبعیض را حول راه حل سوسیالیستی خود بسیج کند. برای تامین حضور مستقل طبقه کارگر در تحولات سیاسی باید ملزومات این حضور مستقل تامین و پاسخ داده شود. تاریخاً کارگر بدون کمونیسم و کمونیسم بدون کارگر شکست خورده است. جنبش کمونیستی طبقه کارگر، جنبش اعتراض ضد سرمایه داری با پرچم انتقادی و انقلابی مارکسیسم، باید بعنوان آلترناتیو مطلوب و ممکن در جامعه طرح شود. باید این افق به افق هر رهبر کارگری تبدیل شود و این قطب نما در هر مبارزه روزمره ملحوظ شود. باید حزب سیاسی کارگری و کمونیستی و دربرگیرنده رهبران و پیشروان و کمونیستهای کارگری قدرتمند داشت که در قلمرو سراسری راه حل کارگری را نمایندگی کند و در قلب کارخانه ها و خیابان متحد کننده و سازمانده اعتراض توده ای علیه حکومت سرمایه داری اسلامی باشد.

**تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!**

کارل مارکس





آنر ماجدی

## آینده ایران: دموکراسی یا سوسیالیسم؟

مردم چه می خواهند؟ پاسخ جنبش های مختلف کدام است؟

احتمال انقلاب کارگری و سرنگونی سرمایه داری زیاد می شود، به راحتی از این خواست جنبش شان صرف نظر می کنند و رسماً و علناً اعلام می کنند که "حفظ نظام یک گزینه است!" چرا که اینها از انقلاب کارگری بیش از رژیم اسلامی منجر اند و از آن ترس دارند. در مقابل خطر انقلاب کارگری با دشمنان دیروزشان دست آشتی و برادری می دهند.

این جنبش خواهان ایجاد یک نظام سرمایه داری بازار آزاد کاملاً انتگره شده در بازار جهانی است. اینها از نظر سیاسی - ایدئولوژیک پرو غرب اند. درست است که جنبش ملی - اسلامی هم خواهان ابقای نظام سرمایه داری است، اما در شرایط حاضر این دو جنبش با یکدیگر از نظر سیاسی-ایدئولوژیک اختلاف دارند. در فردای سرنگونی رژیم اسلامی با هم علیه کمونیسم و انقلاب کارگری وحدت می کنند.

### جنبش کمونیسم کارگری

جنبش کمونیسم کارگری خواست های پایه ای اکثریت مردم، کارگران و مردم محروم و زحمتکش را نمایندگی می کند. از جنبش کمونیسم کارگری منظورم، حزب اتحاد کمونیسم کارگری نیست. حزب اتحاد کمونیسم کارگری نوک کوه یخ این جنبش است، بخش تحزب یافته این جنبش است. جنبش کمونیسم کارگری چه حزب ما وجود داشته باشد، چه نداشته باشد، در جامعه بطور روزمره بازتولید می شود. زیرا جامعه سرمایه داری است و مناسبات

سنگ خورده است و دیگر شیرفهم شده اند که این مردم بجان آمده را نمی توان به اصلاحات دلخوش کرد. بالاچار فهمیده اند که مردم به هیچ قیمتی به این رژیم رضایت نمی دهند. لذا مجبور شده اند بگویند، "ساختار شکنی" ضروری شده است. اینها نیز تا آن زمان موضوعیت دارند که رژیم اسلامی بر اریکه قدرت تکیه داده است. بدون رژیم اسلامی، جریانات هوادار آن، خواهان اصلاح آن، نیز محلی از اعراب نخواهند داشت.

نیروهای چپ تر این جنبش، بخشی از جریانات چپ سنتی، از قبیل سازمان راه کارگر و غیره، که بالاخره به سرنگونی رضایت داده اند، بخش کوچکی از این جنبش را تشکیل می دهند. حداکثر خواست آنها رفرفرم هایی ناچیز است که در "دموکراسی و حقوق بشر" خلاصه می شود. در پایین به این دو مقوله خواهیم پرداخت. همه خواهان لغو "حجاب اجباری" اند، اما حجاب را برخاسته از درون توده ها و فرهنگ توده ها قلمداد می کنند. حجاب را "مشغله و مساله" زنان کارگر و زحمتکش نمی شناسند. مذهب را متعلق به توده ها می دانند و لذا "خدشه ناپذیر." نقد مذهب را "توهین به عقاید مردم" می دانند. چه چیزی تعلق این جریانات متنوع را به جنبش ملی - اسلامی نشان می دهد؟ به آنها خوب نگاه کنید، بقول منصور حکمت، عیدهایشان یکی است، شعرایشان یکی است، عزاداری شان یکی است؛ در یک کلام درد و خوشی شان مشترک است.

### جنبش ناسیونالیسم پرو غرب

این جنبش در اساس خواهان احیای رژیم سابق است، حال با تاج یا بی تاج. اینها در مجموع ضد رژیم اسلامی اند. هر چند که زمانی که

در جامعه ایران سه جنبش اصلی اجتماعی-سیاسی وجود دارد. جنبش ملی - اسلامی، ناسیونالیسم پرو غرب و کمونیسم کارگری. هر یک از این جنبش ها چه می خواهند و برای چه نظام و مناسباتی مبارزه می کنند؟

### جنبش ملی - اسلامی

جنبش ملی - اسلامی یک طیف وسیع است. راست آنرا گرایش اصلاح طلب حکومتی به رهبری موسوی-کروبی - خاتمی تشکیل می دهند؛ کسانی که زمانی در حکومت شریک بودند، در میان پایه گذاران و رهبری اولیه آن قرار داشتند که در پاکسازی های مکرر درون رژیم بیرون افتاده اند. اینها در پی یک ذره اصلاح در رژیم اسلامی اند. اینها یک رژیم اسلامی بزک شده می خواهند تا شعله های انقلاب مردم را سد کنند. تا به خیال خود مردم را بخانه ها بازگردانند. بعلاوه، بتوانند دوباره در قدرت و بچاپ بچاپ آن سهم شوند. در آرزوی بازگشت بدوران "امام" شان می سوزند، بازگشت بدوران طلایی قدرتشان. این گرایش کاملاً موضوعیت خود را از دست داده است. نه مردم به آنها اعتنایی می کنند و نه رژیم به آنها وقعی می گذارد. اینها متعلق به گذشته اند. سپری شده اند. باید در انتظار روز محکمه شان بجرم جنایت علیه بشریت روز شماری کنند.

گرایش های چپ تر این جنبش را جریاناتی مثل حزب توده و سازمان اکثریت تشکیل می دهند. اینها اکنون ظاهراً سرشان برای صدمین بار به

در پاسخ به این سوال اساسی باید نگاهی به جامعه بیانداریم. خرافات و تحلیل های سیاسی ژورنالیستی را کناری بزنیم. یک سوال ساده در مقابل خود بگذاریم: "مردم چه می خواهند؟" "خواست پایه ای مردم چیست؟" دیگر اکنون حتی جنبش هواداران اصلاح طلبان حکومتی، جنبش باصطلاح سبز اسلامی نیز اذعان می کند که مردم رژیم اسلامی را نمیخواهند. وقایع دو سال اخیر، سرکوب خشن رژیم اسلامی و رویدادهای تاریخی در منطقه، حتی کودن ترین عنصر این جنبش و مردردن ترین طرفدار رژیم اسلامی زیر بیرق سبز را نیز وادار کرده است که به ضرورت "ساختار شکنی" اذعان کند. واقعیتی که ما سالها است بر آن پای می کوبیم: "مردم از رژیم اسلامی منزجرند؛ دارند آنرا دفع می کنند و در کمین آن نشسته اند."

رژیم اسلامی آن چیزی است که مردم نمی خواهند. فقر، سرکوب، اختناق، خرافه، تبعیض، فساد و بی عدالتی آن پدیده هایی است که مردم نمی خواهند و در حال مبارزه برای امحای آن هستند. مردم چه می خواهند؟ آنرا می توان در سه کلمه خلاصه کرد: "آزادی، برابری، رفاه همگانی." این کاملاً روشن است. هیچ جریانی با این خواست مخالفت نمی کند؛ در شکل فرمال و علنی مخالفت نمی کند. زیرا مخالفت با این خواست های پایه ای و انسانی کار آسانی نیست. مخالفت با این خواست ها بشکل علنی بمعنای خودکشی سیاسی است. اما سوال اینجاست: چه جریانی و چه نظامی می تواند این خواست های پایه ای مردم را تأمین و تضمین کند؟ بحث دموکراسی و سوسیالیسم در همین متن و راستا مطرح می شود.

غرب است. لافل هر زمان که وعده دموکراسی را به مردم می دهند به این خطه از جهان بعنوان الگوی دموکراسی و جامعه "سعادت مند" ارجاع می شود. در همین مهد دموکراسی هر روزه خواست اکثریت مردم را زیر پا می گذارند. مردم 4-5 سال یکبار پای صندوق می روند از میان چند حزب نمایندگان را انتخاب می کنند تا برای 4-5 سال آینده برایشان تصمیم بگیرند.

این نمایندگان بطور روزمره حقوق مدنی، اجتماعی و رفاهی مردم را به اسم دموکراسی می زنند و به احدی نیز پاسخگو نیستند. دولت انگلستان که سال پیش با رای اکثریت بقدرت رسید، تصویب کرده است که تمام حقوق رفاه اجتماعی را حذف کند. تظاهرات و اعتراضات وسیع مردم و اتحادیه های کارگری هم هیچ تاثیری بر تصمیم آن نداشته است. از یک طرف بانک های ورشکسته را دولتی کرده اند، کلی از جیب و سفره خالی مردم به سرمایه داران سوبسید داده اند و حالا به اسم بدهی کل مردم و "ملت" دارند سفره خالی کارگر و زحمتکش را خالی تر می کنند. توجیه این احجافات، این بیحقوقی و فقر چیست؟ دموکراسی.

دولت آموزش عالی را در انگلستان پس از چند دهه خصوصی کرد و به اعتراضات وسیع و رادیکال دانشجویی و مردم هم وقعی نگذاشت. آموزش دولتی و رایگان در تمام سطوح یکی از دستاوردهای مهم جنبش کارگری و سوسیالیستی بود. یکشبه این دستاورد را در سطل آشغال ریختند. توجیه آن چیست؟ دموکراسی.

در یونان فقر و فلاکتی غیر قابل تحمل را به اکثریت مردم تحمیل کرده اند. هر روز بخشی از جامعه به خیابان ها می آید و اعلام می کند که دیگر قدرت تحمل ندارد. چه اتفاق می افتد؟ دولت منتخب دموکراسی اعلام می کند که

## آینده ایران: دموکراسی یا سوسیالیسم؟

### مردم چه می خواهند؟ پاسخ جنبش های مختلف کدام است؟ ...

جهانی برای خریدن خانه در آن دست و پا می شکنند، صحبت می کنیم، نه آنکارا، نه شانگهای. و علیرغم هر تعبیر و تفسیری از دموکراسی داشته باشید، انگلستان را همه بعنوان یک کشور با حکومت دموکراسی قبول دارند.

در همین مهد دموکراسی، و اوج پیشرفتهگی انفورماتیک و صنعت، فقر و فلاکتی وسیع گریبان مردم را گرفته است. بیکاری گسترده است؛ ارزش واقعی دستمزدها کاهش یافته است؛ بی خانمانی روز به روز وسیع تر می شود. آنگاه در نظر بگیرید که سرمایه داری ایران هر چه هم پیشرفت و رشد کند، مثل آلمان و فرانسه نمی شود، حداکثر مثل ترکیه می شود. در نتیجه دموکراسی حاکم بر آنهم حداکثر مانند دموکراسی ترکیه خواهد بود. با این صورت آیا می توان مدعی شد که دموکراسی خواستهای مردم یعنی آزادی، برابری و رفاه را تامین می کند؟ چنین ادعایی یک ادعای پوچ و مسخره است.

اما بیاییم به دموکراسی در عمل و واقعیت نگاهی بیاندازیم. باز راه دور نمی رویم. به تجربه نمی رویم که بدنبال انتخابات به جان مردم می افتند و از دم تیغ می گذرانندشان. به همان اروپا، مهد دموکراسی در عمل نگاه کنیم. آیا حتی ادعای دموکراسی، یعنی رای و حرف اکثریت مردم در عمل پیاده می شود؟ خیر.

دموکراسی نیابتی یا وکالتی شکل حاکم و پذیرفته شده دموکراسی است. در اروپا نگرانی تقلب در آراء نیز وجود ندارد. دموکراسی در اروپا، آرزوی دیرینه دموکراسی خواهان درون گرایش چپ جنبش ملی - اسلامی و ناسیونالیسم پرو

ماهیت پایه ای دموکراسی که نظام سیاسی متناظر بر نظام سرمایه داری است تغییری نمی دهد.

"دموکراسی ... تبیین طبقاتی خاص و یک درک تاریخی - مشخص از مفهوم وسیع تر آزادی است. دموکراسی مقوله ای است که بخش معینی از جامعه بشری در بخش معینی از تاریخ از مجرای آن مفهوم وسیع تر آزادی را تجسم کرده است. ... دموکراسی نه بعنوان یک لغت در این یا آن رساله قدیم بلکه بعنوان واقعیتی که مردمان جامعه معاصر با آن مواجه شده اند، محصول عروج سرمایه داری است. دموکراسی نگرش بورژوا به امر آزادی است." (منصور حکمت، دموکراسی: تعابیر و واقعیات"، مجموعه آثار، جلد 8 صص 71-72. در سایت منصور حکمت نیز قابل دسترسی است).

بیاییم به پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری تحت دموکراسی نگاهی بیاندازیم تا دریابیم آیا این نظام قادر است خواست های مردم، عینی آزادی، برابری و رفاه را تامین کند؟ به اروپا نگاه کنید. بویژه اکنون که در بحران دست و پا می زند، فقر و فلاکتی که گریبان میلیون ها نفر را در همین مهد دموکراسی و سرمایه داری پیشرفته گرفته است، قلب انسان را به درد می آورد. همین دو روز پیش در در اخبار گزارش می دادند که از هر 4 بچه ای که در لندن زندگی می کند یکی در فقر مطلق است؛ و ما داریم راجع به لندن، این قلب سرمایه مالی، شهری که سرمایه داران

سرمایه داری هر روز آنتی تز خود را نیز بوجود می آورد.

کارگری که استثمار نمی خواهد، کار مزدی نمی خواهد، سرمایه داری را نمی خواهد، ضد سرمایه داری است، به جنبش کمونیسم کارگری تعلق دارد. کارگر ضد سرمایه داری، ضد مالکیت خصوصی و ضد کار مزدی، خواهان سوسیالیسم است. خواهان ایجاد نظامی است که مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری را نفی می کند. جنبش کمونیسم کارگری به این خواست کارگران تعلق دارد. این یک جنبش وسیع ضد تبعیض، ضد فقر، ضد استثمار، ضد اختناق و سرکوب و آزادیخواه و برابری طلب است.

بعلاوه، تمام انسان های آزادیخواه و برابری طلب جامعه، بخش رادیکال و ماکزیمالیست جنبش حقوق زن، ضد فقر، خلاصی فرهنگی می توانند به این جنبش متعلق باشند؛ زیرا خواستشان را فقط و فقط کمونیسم کارگری می تواند متحقق کند. تنها پاسخ واقعی مردم ایران، تنها جنبشی که می تواند آزادی، برابری و رفاه همگانی را تامین و تضمین کند، کمونیسم کارگری است.

### چرا دموکراسی پاسخگو نیست؟

دموکراسی سیستم سیاسی و روبنایی نظام سرمایه داری است. هر محتوایی هر چند رادیکال هم در این دموکراسی بریزید، باز نظام سیاسی متناظر بر نظام سرمایه داری است. قطعا تعابیر و تفاسیر متفاوتی از دموکراسی وجود دارد، دموکراسی لیبرال، دموکراسی خلقی، دموکراسی پارلمانی یا وکالتی، و غیره. اما این تعابیر و تفاسیر متفاوت در

ضامن برابری و رفاه مردم نیست. یک بند مقدس دارد که حتی همان خواست های ناکامل را هم کاملاً فرمال می کند. برسمیت شناخته شدن حق مالکیت خصوصی بعنوان یکی از خواست های پایه ای این بیانیه در تناقض با بسیاری از خواست های دیگر آن قرار می گیرد. مالکیت خصوصی یعنی نفی برابری، نفی رفاه؛ یعنی تبعیض و بی عدالتی؛ یعنی سرکوب و اختناق.

### آزادی، برابری، رفاه، نفی مالکیت خصوصی

آزادی، برابری و رفاه مفاهیمی روشن و قابل توضیح و درک اند. این مفاهیم برابر با دموکراسی و حقوق بشر نیست. دستیابی به آزادی، برابری و رفاه مستلزم سرنگونی سرمایه داری، لغو مالکیت خصوصی و کار مزدی است. یک نظام سوسیالیستی و فقط یک نظام سوسیالیستی می تواند آزادی، برابری و رفاه همگان را تامین و تضمین کند. برای دستیابی به این خواست ها باید رژیم اسلامی را به شیوه ای انقلابی سرنگون کنیم. باید رژیم اسلامی و نظام سرمایه داری هر دو را به زیر کشیم. باید یک انقلاب کارگری سازمان دهیم. این امری است که حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای آن مبارزه می کند. برنامه ما روشن است. هدف ما بر همگان روشن است. کارگران سوسیالیست و تمام انسان های آزادیخواه و برابری طلب باید به حزب ما بپیوندند و این حزب انقلابی، آزادیخواه و برابری طلب را برای سازماندهی انقلاب کارگری تقویت کنند.\*

\* این متن بر اساس سخنرانی آذر ماجدی در جلسه ۲۳ آوریل گفت و شنود رهبری حزب در آلمان تهیه و تنظیم شده است.

## آینده ایران: دموکراسی یا سوسیالیسم؟ مردم چه می خواهند؟ پاسخ جنبش های مختلف کدام است؟ ...

و سرکوب می کنند. دوباره ساواک و ساواما را راه می اندازد. دستگاه های شکنجه را روغن کاری می کنند. بقول منصور حکمت احترام بورژوازی به آزادی باندازه کیف پولش است. سودش که کم شود، همان دموکراسی نیم بند را هم می زند و سرکوب می کند.

### دموکراسی عوامفریبی بورژوازی

جالب است. مردم به خیابان ها می ریزند و شعار آزادی می دهند، بر روی پلاکارد های شان به چند زبان زنده دنیا می نویسند آزادی. در ایران و کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی که یکی پس از دیگری علیه رژیم و نظم حاضر به اعتراض بلند شده اند، مردم با صدای رسا فریاد می زنند: آزادی؛ آنگاه رسانه های بین المللی، ایندولوگ ها و سخنگوهای بورژوازی می گویند مردم دموکراسی می خواهند. با هدف معینی خواست آزادی را به دموکراسی تغییر می دهند. می خواهند توقع مردم را کاهش دهند؛ خواست مردم را تغییر دهند؛ مردم را مجبور کنند که به یک سیستم انتخابات پارلمانی رضایت دهند. این یک نقشه حساب شده است.

مردم خواهان رفع تبعیض و بی عدالتی می شوند؛ خواهان برابری و رفاه؛ همین ایندولوگ ها و سخنگوهای بورژوازی بیانیه حقوق بشر را در مقابلشان می گذارند. اینقدر از طریق رسانه ها تکرار می کنند تا بعنوان یک خواست مردم آنرا جا بیاندازند. اما در واقعیت امر خواست مردم بسیار از این فراتر است. بیانیه حقوق بشر

لذا این میلیون ها نفری که مخالفت خود را با تظاهرات خیابانی نشان دادند، اقلیتی از جنبش وسیع ضد جنگ بودند. علیرغم مخالفت اکثریت مردم، دولت های دموکراسی آمریکا و انگلستان و شرکاء عراق را با خاک یکسان کردند. یک دیکتاتوری خونین را سرنگون کردند، اما به همراه آن عراق را به یک گورستان بزرگ بدل کردند. می گویند در بغداد دیگر فضای سبزی باقی نمانده، تمام پارک ها به گورستان تبدیل شده است. اینهم هدیه دموکراسی دولت های دموکراسی غربی به مردم عراق!

سرمایه داری در دوران شکوفایی در همین کشورها نمیتواند تبعیض را از بین ببرد و رفاه را برای همه تامین کند. در شرایط بحران اداری که دیگر جای خود دارد. و ما داریم راجع به پیشرفته ترین بخش سرمایه داری و دموکراسی صحبت می کنیم. آنوقت این طرفداران دموکراسی مدعی می شوند که در ایران با آوردن سیستم دموکراسی مردم خوشبخت و آزاد می شوند. به این ادعا فقط می توان پوزخند زد.

هر میزان هم امروز قول بدهند، قسم بخورند و سند امضا کنند، بمحض اینکه به قدرت برسند، در عمل می بینیم که احترامشان به آزادی چقدر ناموجود است. وجود و میزان دموکراسی رابطه مستقیمی با اندازه کیسه پولشان دارد. بگذار کارگران شورا درست کنند و برای حقتشان اعتصاب کنند؛ آنوقت بنام دموکراسی و منافع ملت می زنند، می کشند

برای نجات جامعه (بخوان سرمایه داری) باید مردم فداکاری کنند و صبر نشان دهند.

در فرانسه یک جنبش میلیونی اجتماعی علیه فقر به رهبری کارگری شکل می گیرد. تظاهرات میلیونی در فرانسه علیه افزایش سن بازنشستگی شکل می گیرد. طبق آمارها و سونداژ رسانه های بورژوازی حدود 70 درصد مردم مخالف افزایش سن بازنشستگی و موافق جنبش اعتراضی بودند. نتیجه این جدال طبقاتی چه شد؟ سارکوزی رئیس جمهور که طبق سونداژهای مختلف بورژوازی اکنون فقط حمایت کمتر از یک چهارم مردم یعنی 22 درصد مردم را داراست، قانون را به تصویب رساند. زمانی هم که اعتراض می کنی و می گویی مگر دموکراسی رای اکثریت مردم نیست؟ پاسخ می دهند که دموکراسی بمعنای رفراندوم هر روزه که نیست. یک روز میروی پای صندوق رای می دهی و باید چند سال به پای آن بسوزی و بسازی.

در سال 2003 زمانی که قطب تروریسم دولتی برای حمله به عراق تدارک می دید، بیس از دو میلیون نفر فقط در لندن علیه جنگ تظاهرات کردند، در شهرهای بزرگ و کوچک آمریکا میلیون ها نفر به اعتراض بلند شدند، اما دولت های دموکراسی به این اعتراضات وقعی نگذاشتند. دروغ های بزرگی را سر هم کردند و حمله به عراق را توجیه کردند. یکی از توجیها تبردن دموکراسی به عراق بود! باید توجه داشت که همواره بخش فعال، اقلیت یک جنبش را تشکیل می دهد. بغیر از شرایط انقلابی، معمولاً هر جنبشی یک اکثریت خاموش و یک اقلیت فعال دارد.

# آزادی، برابری، رفاه!



## جلسه گفت و شنود رهبری حزب در کلن، آلمان

بحثی داغ در مورد دموکراسی، ناسیونالیسم و سوسیالیسم!

سه جنبش اصلی اجتماعی در جامعه وجود دارد: ملی - اسلامی، ناسیونالیسم پرو غرب و کمونیسم کارگری.

آذر ماجدی جایگاه و خواست های اصلی هر یک از این سه جنبش را برشمرد. گفت که دموکراسی روبنای سیاسی متناظر بر نظام سرمایه داری است و لذا نمی تواند پاسخگوی خواست های واقعی مردم باشد. طی سخنرانی آذر ماجدی به مثال ها و نمونه های بسیاری از کشورهای غربی اشاره کرد. وی همچنین در مورد جنبش های اعتراضی در خاورمیانه و آفریقای شمالی صحبت کوتاهی کرد. آذر ماجدی طی سخنان خود تمام آزادیخواهان و برابری طلبان را به پیوستن به حزب اتحاد کمونیسم کارگری دعوت کرد.

سپس در بخش پرسش و پاسخ

روز شنبه 23 آوریل بدعوت تشکیلات آلمان حزب اتحاد کمونیسم کارگری، یک جلسه گفت و شنود با رهبری حزب تحت عنوان آینده ایران: دموکراسی یا سوسیالیسم برگزار شد. رفقا نسرین رمضانعلی و آذر ماجدی اعضای دفتر سیاسی حزب در این جلسه شرکت داشتند.

ابتدا نسرین رمضانعلی به شرکت کنندگان در جلسه، چه آنهایی که در محل حضور داشتند و چه آنهایی که از طریق شبکه پالتاک در جلسه شرکت داشتند، خوش آمد گفت. پس از آن حزب اتحاد کمونیسم کارگری و اهداف آنرا به حضار معرفی کرد. سپس آذر ماجدی یک سخنرانی با تم جلسه ارائه داد. وی گفت که خیلی روشن و ساده می توان خواست های واقعی و پایه ای مردم را بازشناخت: سرنگونی جمهوری اسلامی و دستیابی به آزادی، برابری و رفاه. وی سپس در تحلیل جامعه ایران اعلام کرد که

گلی پیوستن این رفیق را به حزب به او تبریک گفت.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری بزودی در شهرهای دیگری هم جلسات گفت و شنود را ادامه خواهد داد.

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب اتحاد کمونیسم کارگری -  
واحد آلمان

26 آوریل ۲۰۱۱

مباحث بسیار داغی در مورد ناسیونالیسم، دموکراسی و سوسیالیسم درگرفت. در مورد جوامعی که تحت عنوان سوسیالیسم معروف شده بودند نیز صحبت شد. جلسه حدود سه ساعت بطول انجامید. حاضرین در جلسه و در پالتاک فعالانه در بحث شرکت داشتند. بحث داغی پس از پایان جلسه میان رهبری و کادرهای حزب با برخی از شرکت کنندگان و همچنین در شبکه پالتاک پیرامون مباحث ارائه شده ادامه یافت.

تعدادی از نشریات حزب، برای یک دنیای بهتر میان شرکت کنندگان توزیع شد و یکی از حضار خواهان عضویت در حزب شد. نسرین رمضانعلی با ارائه دسته

## در آستانه روز کارگر تاریخ محاکمه اعضای سندیکا مشخص شد

دادگاه آقای غلامرضا غلامحسینی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ در دادسرای شهریار و دادگاه آقایان غلامرضا غلامحسینی، مرتضی کمساری و علی نظری در روز ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ در دادسرای کارکنان دولت برگزار می شود

همچنین دادگاه آقای رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکا که از تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ در زندان به سر می برد در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۹۰ برگزار می شود.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه  
اردیبهشت ۱۳۹۰

به نقل از سایت سندیکای واحد

کارگر  
زندانی،  
زندانی  
سیاسی آزاد  
باید گردد!



## موقعیت زنان در بازار کار

پروین کابلی



زایمان، دستمزدهای کم، فشار اخلاقیات عقب مانده و مردسالارانه در خانواده و جامعه، موانعی است که زنان کارگر در بخشهای مختلف با آن بطور روزمره درگیرند. در کارگاه های کوچک و یا مناطق روستایی، کوره پزخانه ها، کارگاههای قالبیافی، رستورانها، و بخش کشاورزی شرایط کار اسفناک تر است.

در این بخشها کار کودکان و زنان با گستردگی بسیاری مورد استفاده قرار میگیرد. بسیاری از آنها بدلیل شرایط کار سخت، عدم بهداشت، طولانی بودن ساعات کار و تغذیه ناکافی، عدم امنیت محل کار، دچار ناراحتی های جسمی و روحی میشوند که در طول عمر کوتاهشان همراه آنها میماند. وضعیت بیمه زنان و کودکان در کارگاه های کوچک نامعلوم است. اگر این کارگاهها خانوادگی باشند کار زنان و کودکان به عنوان کمک و یا کار در خانه و یا کمک به همسر و پدر و یا فامیل تلقی میشود. در نتیجه مسئله دستمزد و یا بیمه و مصونیت شغلی در این بخشها یا وجود ندارد و یا بسیار غیرعادلانه میباشد. در رابطه با شرایط کار مثل ساعاتهای طولانی و غیر منظم و یا عدم تعطیلات عملا هیچگونه کنترل وجود ندارد. اینگونه مراکز کار تحت هیچ پوشش آماری و مثلا میزان سوانح ناشی از ناامنی محیط کار و غیره قرار ندارند. در مواردی مثل قالبیافیها رسما برده داری حاکم است. همینطور بسیاری از مشاغل مانند معلمی و پرستاری و فعالیتهای مشابه را زنان اشغال نموده اند و میانگین دستمزد هم در آنها بشدت پائین بوده و همین پائین بودن دستمزدها عملا مردان را برای کار در این بخش ها دچار تردید مینماید.

زنان خانه دار بزرگترین گروه اجتماعی "بیکاران" را تشکیل میدهند. "بیکارانی" که بیشترین زمان کار و ارائه خدمات را در ساعت طولانی بعهده دارند. البته زنان شاغل در جامعه مردسالار، اگر نه تماما اما اساسا، نیز بعد از کار باید وظایف خانه داری را عهده دار شوند. زنان در ایران هنوز

کارگر را حتی در موقعیت بدتری نسبت به بقیه هم طبقه ای هایشان قرار میدهد.

این دو مانع یعنی دستمزدهای پائین و ناعادلانه و سنت ها و فرهنگ حاکم مردسالارانه پدیده ای است که در اغلب کشورها شاهد آن هستیم. تلاش برای تغییر این وضعیت رابطه مستقیم با نیروهای پیشرو جامعه و پیشروی جنبش برابری طلب دارد. هر جا که جنبش های قدرتمندی که برای بهتر شدن وضعیت زنان وجود داشته اند، توانسته اند رفهمایی را برای تغییر این وضعیت به دولتهای حاکم تحمیل کنند. بسیاری از این رفهمها تاثیرات خود را داشته و توانسته اند تغییرات مهمی در زندگی زنان در رابطه با قرارداد کار و تسهیل ورود زنان به بازار کار و یا قوانین خانواده داشته باشد.

یکی از ویژگیهای جامعه سرمایه داری زنانه - مردانه کردن کار است. این تقسیم بندی جنسی در بازار در ایران دارای ویژگیهای خود است. در جمهوری اسلامی که مبتنی بر آپارتاید جنسی است، بسیار هدفمند و با استفاده از قانون و "شرع"، بسیاری از کارها برای زنان ممنوع است. آپارتاید جنسی بعنوان یک نظام ضد زن عمل میکند و عملا مانع ورود زنان به بسیاری از محلهای کار و قلمروهای اجتماعی میشود. این قوانین ضد زن حکومتی و فرهنگ ضد زن حاکم که هر روز در بوق میشود، یک منشا نرخ بیکاری بالاتر زنان در جامعه است. عدم وجود مراکز نگهداری فرزندان، مرخصی

اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و روز برجسته شدن نقش و موقعیت کارگر بعنوان یک انسان در جامعه و تلاش برای تغییر و رفع نابرابریها و تبعیض های ناشی از این نظام است. در اینروز بار دیگر امید به تغییر و ممکن بودن یک زندگی بهتر در صفوف طبقه کارگر جهانی خود را نشان میدهد. در اینروز کارگران تلاش میکنند صفوف میلیونی خود را بیرون بیاورند و با تسخیر خیابانها نوید یک دنیای بهتر و زنده بودن آرمان کارگری را اعلام کنند.

زنان بخشی از توده وسیع طبقه کارگر و بدرجات مختلف جزو بخش محرومتر طبقه کارگر در هر کشوری هستند. همان قانون و نظم طبقاتی نابرابر و تبعیض گر سرمایه داری در بازار کار و خانواده و مناسبات اجتماعی حضور دارد. بورژوازی تلاش میکند بنا به نیازهای بازار و سرمایه، کارگران را بر اساس هویتهای کاذب تقسیم بندی کند، شغلها را زنانه و مردانه کند، از ایجاد شکافها در درون طبقه سود جوید و نهایتا نیروی کار را با هزینه کمتری خریداری کند. اگر نیاز سرمایه ایجاد کند، زنان را به وسعت به بازار کار با دستمزدهای پائین می آورند و اگر وضع اقتصادی خراب شود اول زنان را به خانه میفرستند. ستم بر زنان در جامعه سرمایه داری ستمی مضاعف است. زنان هم بعنوان کارگر و هم بعنوان جنس فرودست در جامعه مردسالار و تبعیض گر تحت ستم قرار میگیرند. از شرایط نابرابر زنان در محیطهای کار و حقوق پائین تر در مقابل کار مشابه تا مشکلات ورود به بازار کار به دلیل اخلاقیات و قوانین و سنت های مردسالارانه از طرف دیگر، موانعی است که زن بعنوان

مسئولیت امور خانه را بعهده دارند و موظف به پیشبرد و یا ارائه خدماتی مانند نظافت، آشپزی، و نگهداری فرزندان هستند. زنانی که در خانه دچار آسیب و بیماری میشوند اگر شخصا دارای بیمه ای نباشند و یا اگر مشمول بیمه همسر قرار نگیرند، در هنگام صدمه دیدن و بیمار شدن از هیچگونه حق و بیمه برخوردار نیستند. در واقع کار خانگی هزینه ای را برای سرمایه دار برمیگرداند. همان هزینه ای که باید به بازتولید کارگر اختصاص یابد. در چهارچوب سرمایه داری کار زن در خانه تامین کننده مجانی بخشهایی از هزینه کارفرماها و دولت برای بازتولید کارگر است.

بیکاری، گسترش فقر و گرسنگی در سه دهه اخیر راه را برای رشد تن فروشی بعنوان یک حرفه باز نموده است. زنان تن فروش که عمدتا از خانواده های کارگران و محرومان هستند از تن فروشی بعنوان یک اجبار برای تامین مخارج خود و خانواده استفاده میکنند. فروش سکس در بازارهای کشورهای همسایه ایران یکی از مهمترین منابع درآمد این زنان است. بسیاری از این زنان و دختران جوان که در دام باندهای قاچاق می افتند بعنوان بردگان سکس از آنها استفاده میشود. فروشندگان سکس بدلیل قوانین مذهبی حاکم بر ایران دارای هیچگونه حقوقی نیستند و جامعه عملا این گروه را که به چند میلیون میرسد به فراموشی سپرده است.

تحقیر و آزار جنسی، ازدواج های زود رس،

## موقعیت زنان

### در بازار کار ...

عدم دسترسی به آموزش، تجاوز جنسی با چاشنی قوانین اسلامی و در یک کلام عدم امنیت اجتماعی و اقتصادی چه در خانه پدری و چه در هنگام ازدواج عملاً موقعیت فرودست و تبعیض آمیز به زنان تحمیل نموده است. فرار وسیع دختران و زنان جوان از خانه به امید یک زندگی بهتر و در دام قاچاقچیان انسان گرفتار شدن، تن فروشی و اعتیاد، خودسوزی، و گسترش ناهنجاری های روانی تنها نشان از یک تراژدی عظیم است که جمهوری اسلامی سرمایه داران به زنان و کل جامعه ایران تحمیل نموده است. فرهنگی که جمهوری اسلامی با بیشترین سرمایه گذاری تلاش نموده است که بعنوان فرهنگ حاکم در جامعه به نرم تبدیل کند اما علیرغم این تلاشها مقاومت و مبارزه زنان مرتباً وسعت یافته و به یک معضل جدی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. تغییر این وضعیت در گروه تغییر و الغای قوانین ضد زن و نابرابر و تبعیض آمیز است.

یک پیش شرط تغییر و بهبود در

وضعیت زنان و فروریختن دیوارهای سیاه آپارتاید جنسی مبارزه بر علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی است. علیرغم بوجود آمدن موانع جدی برای رشد و شرکت فعال زنان در جامعه بعنوان شهروندان آزاد و برابر، جنبش آزادی و برابری زن و مرد بعنوان یک فاکتور اساسی برای تغییرات بنیادی قوی است و دیگر کسی نمیتواند وجودش را انکار کند. سرنوشت آزادی و رهائی کامل زنان جدا از سرنوشت مبارزه طبقه کارگر بر علیه سرمایه داری و پیروزی این مبارزه نیست. به همین دلیل امر برابری زن و مرد سنت جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بوده و همواره کمونیسم کارگری مدافع دو آتش برابری زن و مرد در تمام شئون بوده است. طبقه کارگر در اول مه باید تلاش کند همه جوانب تبعیض و شکافهای مصنوعی در درون طبقه کارگر را بزند، بر وحدت کل طبقه کارگر تاکید کند، و آزادی و برابری و رفاه را برای همگان اعاده کند.\*

گزارشی از تهران،

## خانه گردی در تهران به دنبال بشقاب های ماهواره!

نازنین اکبری

به دنبال هراس عمیق حکومت اوباش اسلامی سرمایه داران از اعتراضات مردمی و در جهت تشدید فضای رعب و وحشت در جامعه، از هفته گذشته موج نسبتاً وسیعی از خانه گردی و تفتیش منازل و زندگی خصوصی مردم به دنبال کشف!! گیرنده ها و بشقابهای ماهواره در سطح شهر تهران شروع شده است. هفته پیش منازل بخشهایی از منطقه سعادت آباد و محدوده بیمارستان عرفان به دنبال جمع آوری آنتن های ماهواره تحت تفتیش و تجسس قرار گرفته اند. در چهارشنبه گذشته نیز خانه های مردم در خیابان آیت اله کاشانی آریا شهر و رامین شمالی در بلوار فردوس توسط مزدوران حکومتی مورد بازرسی و تفتیش قرار گرفته اند.

امروز دوشنبه پنجم اردیبهشت ماه نیز راس ساعت ۱۰ صبح مزدوران و ارازل نیروی انتظامی به خانه های مردم در محله سازمان برنامه شمالی واقع در فردوس غرب یورش برده اند. مأموران حکومتی در حین بازرسی خانه های مردم با گستاخی و بی ادبی و توهین به مردم و توسل به خشونت و تهدید میکوشند بیش از پیش فضای روانی رعب و وحشت را در میان مردم تشدید نمایند. موج خانه گردیها در بسیاری از مناطق مختلف تهران همچنان ادامه دارد. علیرغم تلاش مذبوحانه حکومت اسلامی و مزدورانش برای ایجاد فضای ترس و وحشت ترندهای تاکنونی این اوباش و جانپان کارساز نبوده مردم مقاومت میکنند و بلافاصله دیش های جدید را جایگزین مینمایند. تنفر و خشم از حکومت گرانی و بیکاری و فقر، انزجار و کینه از حکومت سنگسار و زندان و اعدام و شکنجه در میان جوانان و مردم بیش از هر زمان دیگری شعله ور است. مردم با تمسخر به یکدیگر میگویند امسال کارشان تمام است، امسال سال سرنوشت است و...

در بسیاری از موارد گستاخی و تعرض مأموران حکومتی با مقاومت و اعتراض کوبنده مردم روبرو شده است. امروز صبح در محله سازمان برنامه شمالی زنان متحد و مبارز محله برای دفاع از حرمت انسانیشان، برای دفاع از حریم خصوصی زندگیشان به پاخاسته اند و با مأموران زبون حکومت اسلامی درگیر شده اند. علاوه بر خانه گردیها و تفتیش منازل، برپایی و استقرار اکیپ های ایست و بازرسی در روز روشن و تفتیش بدنی عابرین و اتومبیل ها در مناطقی چون شهرک ژاندارمری و همچنین افزایش اختلالات اینترنتی و پارازیتهای گسترده ماهواره ای نشان از هراس و اضمحلال و نابودی عنقریب حکومت جنایتکاران اسلامی است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۵ آوریل ۲۰۱۱

## کتاب

### کنترل کارگری

را از سایت حزب دریافت و

توزیع کنید!

## مرگ بر سرمایه داری،

# جهانی آزاد و کمونیستی باید ساخت!

افکند. همزمان باید سازمانهای توده ای و رادیکال و شورائی کارگران را تحکیم کنیم و بعنوان ابزارهای جدال برسر آزادی و رفاه بکار گیریم. کارگران همه جا خواهان لغو کار قراردادی، افزایش دستمزدها براساس تامین یک زندگی انسانی و مقدر، کار یا بیمه بیکاری مکفی، حق بی قید و شرط تشکل و اعتصاب، و تغییر فوری زندگی طبقه کارگر و مردم محروم هستند. مبارزه ما از تلاش برای بهبود روزمره زندگی طبقه کارگر و تعطیل نشدن مراکز کار تا سیاست کنترل کارگری و کسب قدرت سیاسی یک مبارزه واحد است.

### کارگران، همزمان!

این نظام شایسته ما و بشر امروز نیست. این نظام بدون جنایت و سببیت و فقر و تبعیض و نابرابری نمیتواند سرپا بماند. دنیای امروز بیش از هر زمان به راه حل کمونیستی و انقلاب کارگری نیازمند است. سازمانهای متناسب با این هدف را باید ایجاد کرد. احزاب کمونیستی کارگری را باید ساخت که سوسیالیسم و حکومت کارگری را بعنوان یک راه حل در مقابل کل جامعه بگذارد.

کارگران جهان متحد شوید! در اول مه، دست در دست هم و با غریبی که خشت خشت کاخهای قدرت بورژوازی را بلرزاند، بمیدان آنیم و فریاد بزنیم؛ مرگ بر سرمایه داری! دنیایی بهتر باید ساخت! جهانی آزاد و برابر و مرفه، یک جامعه آزاد کمونیستی!

زنده باد اول مه!

زنده باد انقلاب کارگری!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳۱ مارس ۲۰۰۹ - ۱۱ فروردین ۱۳۸۸

بردگی را باید برانداخت و این کار جنبش بردگان مزدی است! اول مه روز صاحبان واقعی جهان است، روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند. روزی است که اسپارتاکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند که برای رهایی جامعه راهی جز انقلاب کارگری علیه سرمایه داری وجود ندارد! طبقه ما در روز اول مه باید با صدای بلند اعلام کند که دیگر این وضعیت را نمی پذیرد!

طبقه ما باید برای این جنگ سازمان یابد و بمیدان بیاید. بدون تشکل توده ای و حزبی، بدون راه حل اجتماعی و سیاسی، و بدون وحدت و وسیع طبقاتی پیروزی غیر ممکن است. این دوره ای است که بازگشت به سنتهای جنبش عمل مستقیم و شورائی کارگران یک ضرورت حیاتی است. تاکنون نیز طبقه ما الگوهای از سنگربندی رادیکال کارگری را بدست داده است. طبقه کارگر بدون سنت رادیکال مبارزاتی و بدون ظاهر شدن بعنوان پرچمدار آزادی جامعه در قالب یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری نمیتواند این وضعیت را بطور بنیادی تغییر دهد. طبقه ما باید علیه فقر و فلاکت و کلیت سرمایه با پرچم کمونیستی کارگری بمیدان بیاید. مبارزه طبقه ما در هر کشور، گوشه ای از استراتژی بین المللی سوسیالیستی کارگران علیه سرمایه داری است. بدون تبدیل شدن جنبش سوسیالیستی طبقه ما به یک آلترناتیو سیاسی اجتماعی و مطلوب و ممکن، در این جنگ ما پیروز نمیشویم. باید برای پیروزی وارد جدال شد. باید در اول مه شعار "مرگ بر سرمایه داری" و "دنیایی بهتر باید ساخت" همه جا طنین

موجود از اعتبار بی سابقه برخوردار شده و بارقه های سنت رادیکال کارگری هر روز در گوشه ای از جهان رخ نشان میدهد. امروز بیش از هر زمان هویت انترناسیونالیستی کارگری و پرچم کمونیستی آزادی جامعه به نیاز مبرم طبقه کارگر تبدیل شده است. رویدادهای فرانسه و یونان و ایتالیا و آلمان تنها پیش درآمد نبردهای سهمگین طبقاتی دوران جدید اند.

### کارگران!

طبقه ما باید آلترناتیو سیاسی خود را در مقابل این وضعیت بگذارد. ادامه نظام بردگی نمیتواند خواست ما باشد. افسار زدن محدود به سرمایه داران و بانکداران مفت خور و سیاست ارتجاعی "فداکاری ملی" برای کار بیشتر نمیتواند سیاست طبقه کارگر باشد. ناسیونالیسم و فاشیسم و تفرقه در اردوی طبقه کارگر سلاح کثیف بورژوازی علیه طبقه ماست. ما تاکنون اعلام کرده ایم که تامین هزینه بحران از جیب و زندگی ما موقوف! بجای جایزه به سرمایه داران باید دستمزدها افزایش یابد! بیمه ها و خدمات اجتماعی گسترش یابد! رفاه و آزادی حق همگان باشد! کارگران در مقابل تبلیغات ناسیونالیستی و ضد کارگری، پرچم انترناسیونالیسم کارگری و هویت جهانی و منفعت واحد طبقاتی را در مقابل نظام سرمایه داری برمیافرانند. اما نظام بردگی مزدی و استثمار سرمایه داری با هر درجه بهبود هنوز مبتنی بر بردگی مزدی است. نظام

سرمایه داری بشریت را در آستانه نابودی قرار داده است. در جهانی که مالامال ثروت است، بیش از یک میلیارد نفر گرسنه اند. ۳۰٪ جمعیت کارکن جهان در سال گذشته بیکار بودند و بحران عمیق اقتصادی با سرعتی باور نکردنی ارتش عظیم بیکاری را گسترده تر میکند. پیامدها و پس لرزه های عمیق ترین بحران اقتصادی جهانی هنوز در راه است. سونامی فقر و فلاکت و گرسنگی جوامع بشری را تهدید میکند. عالیجنابان دنیای امروز نه فقط راه حل قابل اعتنا و دلگرم کننده ای ندارند بلکه دورنمای تاریکتری را وعده میدهند. در این اوضاع که میلیون میلیون کارگر به خیابان پرتاب و زندگی شان نابود میشود، سرمایه داران از صدها میلیون دلار جایزه و حمایت دولت از جیب کارگران بهره مند میشوند. بحران اقتصادی کنونی دوراه حل بیشتر ندارد؛ یا سرمایه داری بقا و تداومش را با کوبیدن طبقه کارگر و تحمیل فقر بیشتر حل میکند، و یا طبقه کارگر با نفی نظام مبتنی بر بردگی مزدی و استثمار و مالکیت خصوصی، بحران را به نفع بشریت حل میکند. راه سومی وجود ندارد!

از نظر سیاسی، بحران کنونی به معنی بن بست راه حلهای سیاسی طبقه سرمایه دار و بی اعتباری عمومی این نظام در انظار صدها میلیون کارگر است. سیاستهای مبتنی بر بازار آزاد راست افراطی ورشکست شدند و دخالت و مالکیت دولت در کنترل بازار نیز مسکنی موقتی برای تداوم وضعیت پیشین است. همزمان مارکس و نقد مارکسی نظام



## درگذشت بهزاد کاظمی را تسلیت می‌گوئیم!

متأسفانه مطلع شدیم بهزاد کاظمی از فعالین سوسیالیست و از همکاران اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران ایران به دلیل بیماری مننژیت روز جمعه ۲۲ آوریل در لندن درگذشته است.

ما درگذشت بهزاد کاظمی را به اعضا خانواده ایشان و دوستان و همزمانش صمیمانه تسلیت می‌گوئیم.

تشکیلات خارج کشور حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ آوریل ۲۰۱۱

## کارگران صنایع نفت و گاز دریا ساحل

نه قرارداد نه دستمزد بلکه اخراج!

بنا به خبر دریافتی، بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران شرکت دریا ساحل با گذشت بیش از یکماه از سال جدید تا امروز نه قراردادهای کاریشان تمدید شده و نه دستمزدهای فروردین ماه را دریافت نموده اند و موقعیتهای شغلیشان نیز در معرض خطر جدیست. بهانه کارفرما در عدم پرداخت دستمزدها تمدید نشدن قراردادهای موقت کار است و عدم تمدید قراردادها هم ترفند آگاهانه خود کارفرما برای اخراج کارگران و نپرداختن دستمزدهاست!

طی چند روز گذشته ۱۰ نفر از کارگران دفتر مرکزی شرکت در تهران بی هیچ دلیلی از کار اخراج شده اند. علاوه بر این موج بیکار سازی کارگران در کمپ ها و مراکز پروژه های شرکت شروع شده است. اخراج و بیکار سازی کارگران در پایان و شروع هر سال جدید سیاست ضد کارگری حکومت اسلامی و سرمایه داران برای کسب سود بیشتر است.

حجم سنگین و فشرده کاری، زندگی شبانه روزی در کمپهای بدون امکانات و غیر بهداشتی، نپرداختن دستمزدها، دوری از خانواده و نگران خاطری از جهت فقر و گرسنگی و محرومیت خانواده ها، همه مزید بر مشکلات کارگران است. "اخوان" مدیر شرکت که از پاسدار کمیته چی های آدمکش دیروز است، زبان همیشگی با کارگران تهدید به اخراج و دروغ و عوامفریبی است. کارفرما پروژه های شرکت دریا ساحل قرارگاه خاتم الانبیا سپاه پاسداران حکومت اسلامیست. هم اکنون تعدادی از فرماندهان جانی و دزد سپاه پاسداران در همدستی با اخوان و شرکایش از قبیل استنمار وحشیانه کارگران ثروتهای نجومی و سر گیجه آوری به جیب می زنند.

شرکت دریا ساحل با بیش از ۱۰۰۰ نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی در مناطق عملیوه، خارک و گچساران مجری پروژه های لوله کشی نفت و گاز میباشد. ساعت کار کارگران از ۶ صبح تا ۶ عصر و دفتر مرکزی شرکت در خیابان تخت طاوس تهران است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۲ آوریل ۲۰۱۱

## کارگران خانه های سلامت شهرداری منطقه ۵ تهران

۵ ماه دستمزد و عیدی پایان سال معوق!

بنا به خبر دریافتی، بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران و کارکنان خانه های سلامت شهرداری منطقه ۵ تهران از آذر ماه سال گذشته تا امروز ریالی از دستمزدها و عیدی و پاداش پایان سال خود را دریافت ننموده اند. تا امروز تلاش و پیگیری این کارگران و پرسنل زحمتکش برای گرفتن حقوق هایشان به جایی نرسیده است. زبان مسئولین شهرداری علیه کارگران تهدید و اخراج است. "بالش زر" از عوامل مزدور حکومت و مدیر خانه های سلامت منطقه ۵ بارهای بار در جواب کارگران معترض گفته است: پول نداریم که نداریم، همینکه هست، هر کی میخواد زبان درازی کنه بفرما راهش بازه و...

یکی از کارگران میگفت: همین امثال بالش زر در شهرداری حقوقها و پاداش های بی حساب و کتاب و چند میلیونی میگیرند. برای خودشان که کار نمیکند و مفت میخورند پول هست، ولی برای ما که از صبح تا شب جان می کنیم و آخر سر هم برای کرایه خانه و نان شبمان محتاجیم، اگر همین دستمزدهای ناچیزمان را بخواهیم میشویم زبان دراز و از کار اخراجمان میکنند. آگه بیشتر هم پا فشاری کنیم سر و کارمان با بسیج و پاسدار و چماق و زندان است و...

کارگران و کارکنان خانه های سلامت شهرداری منطقه ۵ تهران بیش از ۲۰۰ نفرند با قراردادهای یکساله و ساعت کاری ۸ صبح تا ۳/۳۰ عصر و دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی که همیشه با تاخیر و کارشکنی پرداخت میشود. اکثریت این کارگران زنان سرپرست خانواری هستند که برای تامین نیازهای خانواده شان به ناچار این کار را پذیرفته اند. خانه های سلامت کارشان به اصطلاح ایجاد هماهنگی در زمینه های پزشکی و روانی و بهداشتی مابین شهرداری و محلات است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۵ آوریل ۲۰۱۱



در زمان های اعلام شده که مطابق پیشنهادات ارسالی کارگران در جاهای مختلف تعیین شده، برای کارگرانی که در حال کار و در محیط های کاری شان هستند، قرار بر دست از کار کشیدن به مدت 5 دقیقه میباشد که لازم است به طور یکپارچه و سراسری در همان زمان توسط کارگران در همه ی نقاط، مطالبات کارگری در میان کارگران به بحث گذاشته شود.

کارگرانی که در زمان اعلام شده برای شرکت در مراسم ها امکان تجمع دارند میتوانند با به خاطر داشتن شعار ها و مطالبات و یا کاغذ های حاوی شعار ها و مطالبات به طور متحد و با برنامه ریزی در محل های اعلام شده حاضر شوند. شعارهای ما کارگران باید صف طبقاتی ما را معلوم کند؛ شوراهای اسلامی کار و خانه های کارگر، جناح های سیاه و سبز سرمایه داری هر کدام برای منافع سرمایه داری دست و پا میزنند. ما هیچ اعتراض و تجمعی را بی نصیب نخواهیم گذاشت اما با پرچم خود و با طرح مطالبات 8 گانه ی خود به اعتراض دست خواهیم زد و در این روز به یکدیگر یادآور میشویم که برای رهایی از ستم و استثمار طبقاتی و فقر باید و باید و باید متشکل شویم.

**زمان و مکان مراسم های روز جهانی کارگر یکشنبه 11 اردیبهشت**

**ساعت 5 عصر - سراسر کشور:**

**الف - تجمع ها و مراسم ها در سراسر کشور:**

**تهران- ساعت 5 عصر - از میدان انقلاب تا مقابل وزارت کار**

**مشهد- شیراز-اصفهان- قزوین (همگی مطابق اعلام کارگران این مناطق) و سایر شهرستان ها ساعت 5 عصر در مقابل ادارات کار شهرستان ها و یا ادارات کل کار استان.**

از شهرهایی در جنوب و مرکز و نیز شهرهایی

## بیانیه شماره 2 شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 90

و فراخوان زمان و مکان های مراسم ها - ساعت 5 عصر سراسر کشور

### سال ستیز طبقاتی به جای جهاد اقتصادی

انگل وار سرمایه داری تنها و تنها با اتکا به دانش طبقاتی و اتحاد و تشکل ها و سازمان های طبقاتی و کارگری خود تکیه خواهید زد.

کارگران نیک میدانند که نه تنها در روز جهانی کارگر بلکه هر روز باید بیش از پیش با اعتراض بیشتر و با سازماندهی مبارزات به سوی ایجاد تشکل های طبقاتی خود قدم بردارند و هر روز را عرصه ی "گسترش و تقویت ستیز طبقاتی و نبرد کارگری" کنند و نسخه ها و مناسبات برده واران ی سرمایه داری و از جمله " جهاد اقتصادی" و سایر بی حقوقی های تحمیل شده از سوی سرمایه داری اسلامی در ایران را بیشتر و بیشتر نقش بر آب کنند.

ما کارگران هر چه بیشتر و گسترده تر، در روز جهانی کارگر 11 اردیبهشت به ویژه در ساعت 5 عصر در محل های کار و زندگی و در محلات و خیابان و کوی و برزن و در هنگام ایاب و ذهاب و در سرویس های غذاخوری و رخت کن ها و در هر جا و هر جا و در هر فرصت ممکن مطالبات 8 گانه ی کارگری که - نه تمام مطالبات، بلکه - اهم مطالبات کارگران است را به بحث و گفت و گو میگذاریم و برای ادامه ی نبرد و حرکت به سوی ایجاد تشکل های طبقاتی، مستقل و خود ساخته و مستقل خود برنامه ریزی و اقدام خواهیم کرد.

در ادامه ی این بیانیه علاوه بر فراخوان مراسم ها و اعلام زمان و مکان ها، برخی شعارهای مناسب کارگری برای فریاد کردن در محل های مراسم، تظاهرات و آکسیون معرفی میشوند و در پایان بیانیه اهم مطالبات 8 گانه برای پخش و تکثیر و برای بحث و گفت و گو در میان کارگران درج خواهد شد.

کار کودکان، بحران های زیست محیطی، فشار اقتصادی بر بازنشستگان، گسترش بیکاری و اعتیاد و ظلم و بیاداد و ارباب و تهدید و زندان و نیز فریب کاری های هر دو جناح سرمایه داری در ایران یعنی اصولگرایان و نیز اصلاح طلبان حکومتی که اکنون اندکی از چپاول و غارت رانده شده اند و فریب و دغل تمامی کشورهای سرمایه داری اعم از آمریکا و چین و روسیه و دولت های اروپایی منجمله انگلیس و آلمان و فرانسه و ایتالیا و غیره، همه و همه باید با مشت محکم و اتحاد و سازمانیابی و تشکل یابی کارگران پاسخ داده شود.

روز جهانی کارگر نه سبز است و نه سیاه و نه سفید و نه بنفش و نه زرد؛ روز جهانی کارگر و همه ی روزها به نشانه ی خون و جان و عمر و هستی طبقه ی کارگر به رنگ سرخ است؛ کارگران تولید کنندگان تمامی ثروت ها و نعمت ها و رفاه در جامعه ی بشری هستند و با خون خود حیات جامعه ی انسانی را تضمین میکنند، اما خود هیچ بهره ای از این نعمات و ثروت ها نمیبینند، ما کارگران فریب هیچ کدام از جناح های سرمایه داری و رنگامیزی های آنان را نخواهیم خورد.

ما کارگران ایران در روز جهانی کارگر هم صدا و هم پیمان با دیگر هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان ضمن گرامیداشت این روز، با خشم و اعتراض خود یکصدا فریاد برخواهیم آورد که طبقه ی کارگر برای به دست آوردن مطالبات خود و براندازی نظام

در آستانه ی روز جهانی کارگر، 11 اردیبهشت (اول ماه مه) ستیز کارگران علیه سرمایه داری اسلامی در ایران شکل دیگری به خود گرفته است؛ از جمله اعتصاب پیروزمندانه کارگران در پتروشیمی در ماهشهر و چند ماه قبل اعتصاب کارگران پتروشیمی در تبریز، که منجر به تغییر قرارداد های موقت شرکت های پیمانکاری به قراردادهای میان مدت شد نشان از خیزش جدیدی در مبارزات کارگران علیه سرمایه داری دارد. لازم است که علاوه بر تمامی ائتلاف مختلف طبقه ی کارگر، کارگران بیکار و اخراجی و به ویژه تمامی کارگران قرارداد موقت، سفید امضا و بی قرارداد و کارگران شرکت های پیمانکاری هر چه بیشتر ضمن اعتراض و اعتصاب، قدم های استوارتری برای ایجاد تشکل های مستقل و خود ساخته ی خود بردارند و علاوه بر ایجاد و تقویت تشکل های علنی، توده ای و طبقاتی، بخشی از کارگران آگاه باید با ایجاد و یا تقویت هسته ها، محافل و کمیته های مخفی و غیر علنی نقشی جدی در سازماندهی مبارزات کارگران برای به دست آمدن مطالبات و نیز سوق دادن مبارزات به سمت تشکل یابی کارگران ایفا کنند.

جهاد اقتصادی و ریاضت اقتصادی که سرمایه داری در ایران و جهان قصد دارد به کارگران تحمیل کند، دستمزدهای فلاکت بار و برده واران، حذف یارانه ها و سرکوب مبارزات و فعالین و تشکل ها و نیز سرکوب هرگونه اعتراض و تظاهرات و سرکوب بیان و قلم و اعتصاب و تحمیل زندان و فقر و دیکتاتوری و فلاکت و جنگ و خرافه پروری و تبعیض جنسیتی و تبعیض جنسیتی و ستم طبقاتی بر زنان،

صنف و رسته ضمن اتحاد با تمامی اقشار هم طبقه ای مان در طبقه ی کارگران ایران و منطقه و حمایت از مطالبات کارگران مهاجر در ایران از جمله کارگران افغانی، خود را متحد و پشتیبان مبارزات کارگران در سراسر جهان می‌دانیم.

7- ما برای دست یابی به مطالبات اقتصادی-سیاسی خود بر علیه تمامی جناح ها و حاکمیت های داخلی و خارجی سرمایه داری اعم از اصول گرا و اصلاح طلب در ایران و اعم از دولت های سرمایه داری آمریکا، چین، روسیه، اروپایی و ... تنها و تنها با اتکا بر نیروی طبقاتی کارگری خود، مبارزه خواهیم کرد.

8- نظام سرمایه داری از تبعیض جنسیتی-اقتصادی- سیاسی- اجتماعی علیه زنان بهره و سود می‌برد، همچنین کار کودکان منبع سودهای سرشار برای نظام انگلی سرمایه داری ست؛ ما ضمن محکوم کردن هرگونه تبعیض جنسیتی علیه زنان، برای متشکل کردن هر گونه مبارزه برای دست یابی زنان به مطالبات ویژه ی زنان و نیز مطالبات طبقاتی شان و نیز برای تقویت جنبش لغو کار کودک از هیچ مبارزه ای فروگذار نخواهیم کرد.

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 1390

بیانیه شماره 2 - سال ستیز طبقاتی به جای جهاد اقتصادی

6 اردیبهشت 1390

1may1390@gmail.com

به نقل از سایتهای خبری

## بیانیه شماره 2 شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال 90

و فراخوان زمان و مکان های مراسم ها - ساعت 5 عصر سراسر کشور

### سال ستیز طبقاتی به جای جهاد اقتصادی ...

شورای عالی کار تعیین شده و نیز روش ضد کارگری و خائنه‌ی سه جانبه گرایی را محکوم می‌کنیم؛ در روش سه جانبه گرایی، مذاکره و توافق بین نمایندگان کارفرمایان و نماینده دولت (که همگی از طبقه‌ی سرمایه دار هستند) از یک سو و از سوی دیگر نماینده ی کارگران انجام می‌گیرد و کارگران در مقابل دو رای سرمایه داری بازنده خواهند بود. ما اعلام می‌داریم که افزایش دستمزد با خواهش و توافق و مذاکره حاصل نمی‌شود. کارگران باید با اعتراض و نمایش قدرت و اعتصاب و با مبارزه ی متشکل و متحد دستمزدهایی متناسب با استانداردهای زندگی را به سرمایه‌داری تحمیل کنند.

4- کارگران و فعالان کارگری زندانی باید آزاد شوند و ما هر گونه دستگیری، اخراج و تحت فشار قرار دادن کارگران را محکوم نموده و به صورت گسترده برای آزادی آنان مبارزه خواهیم کرد.

5- ما کارگران برای دست یابی به آزادی بیان، آزادی تشکل، تحزب، اعتصاب، آزادی قلم و آزادی تمامی زندانیان سیاسی و پایان یافتن احکام ضد انسانی اعدام، همزمان با دیگر مطالبات مان مبارزه خواهیم کرد.

6- پیروزی کارگران جز با اتحاد متشکل و سازمان یافته ی تمامی اقشار طبقه ی کارگر اعم از کارگران صنعتی، معلمان، پرستاران، کارگران بخش خدمات، معادن، کارگران کشاورزی و ... ممکن نیست. ما کارگران در هر

پایان بی سامانی

-شورای عالی کار / حامی سرمایه دار

-علیه شرکت های پیمانکاری/ برپا کنیم تشکل کارگری

-اتحاد و تشکل / راه رهایی ما

-شورای اسلامی کار/ پشتیبان سرمایه دار

-سرمایه از روز ازل نبوده / سرمایه دار حق ما رو ربوده

-اصول گرا، اصلاح طلب/ضد کارگر، فرصت طلب

-تشکل مستقل حق مسلم ماست

-جهاد اقتصادی و ریاضت/ به ضد کارگرانه این سیاست

-جهاد اقتصادی و ریاضت / ننگ بر این اقتصاد و سیاست

مطالبات هشت گانه ی کارگران ایران - سال 1390

1- ما کارگران برای مقابله با قراردادهای موقت، سفید امضا و قراردادهای شرکت های پیمان کاری با اتحاد و آگاهی و با ایجاد تشکل های خود دست به مبارزه خواهیم زد.

2- حذف یارانه ها هجوم به سفره ی خالی کارگران است؛ ما ضمن گسترده کردن اقدام برای نپرداختن قبض های آب، برق، تلفن و گاز از هر طریق ممکن دیگر و به صورت متحد و متشکل با این اقدام و طرح- ضد کارگری مبارزه خواهیم کرد.

3- ما اعلام و تعیین حداقل دستمزد 330 هزار تومان که چندین برابر زیر خط فقر است و توسط نهاد سرمایه داری

در کردستان اعلام شده که فراخوان زمان و مکان مطابق شرایط و بر اساس ملاحظات محلی و در زمان مناسب به اطلاع کارگران رسانده خواهد شد.

ب-اعتصاب موقت سراسری در محیط های کار:

ساعت 5 عصر- کارگران شاغل در محیط های کار و کارخانجات به طور همزمان و یکپارچه و سراسری به مدت 5 دقیقه در ساعت 5 عصر یکشنبه دست از کار خواهند کشید و مطالبات 8 گانه و مباحث خود را با همکاران خود به بحث خواهند گذاشت. در صورت امکان، با طرح شعارها و خواسته ها و مطالبات جاری خود، کارگران در این ساعت در محل های مناسب در محیط کار تجمع خواهند نمود و ضمن برگزاری مراسم به فریاد شعارها و طرح و بحث و اعتراض برای دستیابی به مطالبات خود خواهند پرداخت.

شعارهای پیشنهادی برای روز مراسم و نیز برای سایر اعتراضات و تجمعات کارگری در سراسر سال:

-دستمزد بردگان و حذف سوبسید/بر علیه سرمایه باید جنگید

-قرارداد موقت/ ملغی باید گردد

-کارگر زندانی آزاد باید گردد

-قرارداد موقت / بردگی وفلاکت

-زندانی سیاسی / آزاد باید گردد

-کارگران جهان/ هم طبقه، هم پیمان

-کارگر قراردادی، پیمانی/ تشکله

**زنده باد روز جهانی کارگر!**

## کارگران شرکت نگین صدرا

اخراج گسترده - 3 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، با شروع سال جدید و طی یکماه گذشته بیش از 1000 نفر از کارگران شرکت ساختمانی و برج ساز نگین صدرا بنا به دستور کارفرما و بدون هیچ عذر موجهی از کار اخراج شدند. هر یک از این کارگران اخراجی دارای یک تا 5 سال سابقه کار بوده و با اینکه از کار اخراج شده اند، کارفرما با توسل به بهانه های دروغ و کار شکنی از پرداخت دستمزدهای بهمین و اسفند و عیدی پایان سال 1389 کارگران طفره میروند. پیگیریها و اعتراضات تا امروز کارگران اخراجی به دلیل حمایت اداره کار و دیگر مراکز حکومت اسلامی سرمایه داران از رکن الدینی مدیر شرکت عملا به جایی نرسیده است.

بنا به گفته کارگران رکن الدینی با زد و بند و رابطه بازی و پرداخت رشوه به باندهای حکومتی در اداره کار و دیگر مراجع فاسد اداری حکومت اسلامی توانسته است حمایت این جانوران را کسب نماید و بدین طریق شکایات و اعتراض کارگران را بی اثر نماید. کارگران اخراجی با جیب های خالی و کابوس فقر و گرسنگی بین اداره کار حکومت و رکن الدینی برای دریافت دستمزدهای معوق سرگردانند. علاوه بر کارگران اخراجی بیش از 1500 نفر از کارگران شاغل نیز دستمزدهای بهمین و اسفند و عیدی پایان سال و همچنین دستمزدهای فروردین ماه امسال را دریافت نکرده اند. رکن الدینی با وعده های دروغ، پرداخت مساعده های ناچیز و حتی دادن چکهای بی محل به کارگران بطرز مودبانه ای از پرداخت دستمزدهای کارگران خودداری می ورزد.

شرکت ساختمانی و برج ساز نگین صدرا هم اکنون با بیش از 1500 نفر کارگر قراردادی و روز مزدی با دستمزدهای 300 هزار تومانی، که ماههاست پرداخت نشده، و ساعت کاری از صبح تا شب سازنده انواع برجهای اداری و مسکونی در سطح شهر تهران و یزد میباشد. پروژه های در دست احداث شرکت در حال حاضر عبارتند از برجهای سه گانه در خیابان معلم و شریعتی و همچنین برج دیگری که در میدان الغدیر تهران تازگی شروع شده است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۵ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۵ آوریل ۲۰۱۱

## کارگران شرکت مخابراتی موج آسا

افزایش کار بدون افزایش دستمزد!

بنا به خبر دریافتی، به دستور "قانع" مدیر شرکت مخابراتی موج آسا، در جهت صرفه جویی و کاهش هر چه بیشتر هزینه ها از مجموعه 25 نفر کارگر شرکت منبهد باید فقط 10 نفر از کارگران بخش کابل هوایی جهت انجام کارهای اضافی و باقی مانده در پایان روز و تعطیلات بمانند و همان کاری را که 15 نفر دیگر کارگران بخش کابل زمینی انجام میدادند را نیز انجام دهند. در حالت عادی و قبل از این ساعت کار کارگران از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کاری اجباری از 5 عصر تا شب و در تعطیلات نیز کار انجام میشد. حالا با حذف 15 نفر از کارگران فشار و ساعت و حجم کاری 15 نفر کارگران کابل زمینی به کارگران بخش کابل هوایی تحمیل میشود.

یکی از کارگران میگفت: اگر تا قبل از این ساعت 8 شب به خانه هایمان میرفتیم حالا میشود 10 و 11 شب! اگر جمعه ها و تعطیلات ساعت 12 کار تعطیل میشد حالا تا عصر و غروب هم باید بمانیم و گفته اند هیچ پولی هم بابت این کار اضافی نمیدهند! این یعنی کار و استثمار بیشتر، این یعنی خستگی بیشتر، این یعنی بیگاری مفت و مجانی برای آخوندها و سرمایه دارها.

قانع مدیر شرکت در جواب کارگران معترض گفته است: فرماندهان سپاه پاسداران در مخابرات به ما گفته اند اینطوری برای ما نمی صرفد. بنا به گفته رهبر امسال، سال جهاد اقتصادی است، باید هزینه ها را کاهش دهیم و ما پول اضافی برای کارگران نداریم.

شرکت پیمانکاری خدمات مخابراتی موج آسا بخش منطقه 5 تهران با بیش از 25 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و یکطرفه و سوابق کاری 2 تا 10 سال و فعلا دستمزدهای 300 هزار تومانی که با انواع کارشکنی و تاخیر پرداخت میشود و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کاری اجباری هر روزه تا پاسی از شب و کار در تعطیلات ارائه دهنده خدمات مخابراتی در منطقه 5 تهران میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۲ آوریل ۲۰۱۱

## جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

## بدون امید سوسیالیسم، بدون

“خطر” سوسیالیسم، به چه منجلابی

تبدیل میشود!

منصور حکمت



## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>  
[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و بدست دوستانتان برسانید!

## یک دنیای بهتر

مانیفست امروز طبقه کارگر علیه سرمایه داری است!

## یک دنیای بهتر

برنامه حکومت کارگری برای آزادی جامعه است!

روز ۲۲ آوریل واحدهای حزب در خارج کشور همراه با دیگر احزاب و جریانات چپ در اجتماعات علیه اعدام و با خواست آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام شرکت کردند. برای خواندن مشروح گزارشات به سایت حزب مراجعه کنید!

## کارگران شرکت توسعه و معادن

2 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، دستمزدهای اسفند ماه سال گذشته و فروردین ماه بیش از 100 نفر از کارگران شرکت ساختمانی توسعه معادن، با اینکه تا امروز کارگران اعتراضات و پیگیریهای مکرر و مداومی نیز داشته اند، همچنان بلا تکلیف و پرداخت نشده است. عوامل کارفرما گاهی با تهدید کارگران به اخراج از کار و گاهی با دادن وعده های پوچ و دروغ امروز و فردا از پرداخت دستمزدهای کارگران طفره میروند. تدریجا در میان کارفرماها رسم شده که دستمزدها را تا جایی که میتوانند پرداخت نکنند و با اخراج کارگر و اعلام ورشکستگی بخشی یا تمام دستمزدها را بالا بکشند.

عدم پرداخت دستمزدها که کارگران را محتاج اولیه ترین نیازها میکند و افزایش سرسام آور و مستمر تورم و گرانی، کارگران و خانواده های محرومشان را بیش از پیش به فقر و گرسنگی و فلاکت روز افزون محکوم کرده است. "موسوی" مدیر شرکت و چهره دزد و ضد کارگری در جواب کارگران گرسنه ای که دستمزدهایشان را طلب میکنند با خونسردی و گستاخی میگوید: اگه یک آگهی استخدام در روزنامه چاپ کنم 1000 کارگر بهتر از شما فوراً در همینجا به خط میشوند! چه فکر کرده اید؟ شرایط کار همینکه هست، میل خودتانه!

شرکت ساختمانی توسعه معادن با بیش از 100 نفر کارگر قراردادی، با قراردادهای 2 ماهه سفید امضا و یکطرفه و دستمزدهای 300 هزار تومانی که حتی کارفرما از پرداخت آن هم طفره میروند و ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و اضافه کاری اجباری تا شب و کار در ایام تعطیل مجری و سازنده انواع پروژه ها و مجتمع های مسکونی و اداری در سطح شهر تهران میباشد. این شرکت هم اکنون مجری احداث تعدادی از مجتمع های مسکونی در منطقه سعادت آباد میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۷ آوریل ۲۰۱۱

## کارگران در اول مه علیه "افزایش" ۹

## درصدی حداقل دستمزد اعتراض کنید!

متشکل شوید! مجامع عمومی خود را برگزار کنید! نمایندگان خود را انتخاب کنید! حداقل دستمزد باید توسط نمایندگان سراسری شما کارگران و بر مبنای نیازمندیهای یک زندگی انسانی تعیین شود. به این فقر و فلاکت و تحقیر و بی حقوقی باید پایان داد!

بساط اوباش اسلامی و نظام سرمایه داری را باید برچید!



# مکان تظاهراتها و میزهای اول مه حزب در کشورهای مختلف

## LONG LIVE 1<sup>ST</sup> MAY

### INTERNATIONAL WORKERS' DAY

LONG LIVE  
SOCIALISM!

WORKERS OF THE  
WORLD UNITE!



CANADA  
TORONTO  
QUEEN ST WEST AND JAMESON ST  
SUNDAY 1ST MAY AT 1PM

HOLLAND  
ROTTERDAM  
STADHUIS  
COOLSINGEL 40  
SUNDAY 1ST MAY AT 2PM  
MARCH TO SCHOUWBURGPLEIN

SWEDEN  
JÄRN TORGET  
GÖTHEBURG  
INFORMATION DESK FROM 9AM TO 2PM

ENGLAND  
CLERKENWELL GREEN  
LONDON EC1  
ASSEMBLE 12 NOON, MARCHING TO TRAFALGAR SQUARE  
NEAREST UNDERGROUND: FARRINGTON

## WORKER-COMMUNISM UNITY PARTY

COMMITTEE ABROAD

KOUSHA.MARYAM@GMAIL.COM

[WWW.WUPIRAN.ORG](http://WWW.WUPIRAN.ORG)

[WWW.WUPIRAN.NET](http://WWW.WUPIRAN.NET)

2011



## زنده باد اول مه!

شب همبستگی با تحولات انقلابی در خاورمیانه و شمال آفریقا و مبارزات کارگران در سراسر جهان علیه سرمایه داری!



### Long live May Day!

Night solidarity with the revolutionary developments in the Middle East and North Africa and the struggles of workers against capitalism in the world!

### تریبون آزاد:

سخنرانی و پیامهای کوتاه بمناسبت اول مه

شب نشینی، موزیک،  
نوشیدنی و ساندویچ موجود است

همراه ما در مراسم اول مه شرکت کنید! شورا مقدمات را خوش آمد میگوید!

یکشنبه اول مه ۲۰۱۱ از ساعت ۱۶  
الی ۲۲ در کافه مارکس

**Kungsgatan 84,  
Tunnelbana: Rådhuset**

Web: [www.shora.se](http://www.shora.se)  
E-mail: [shoray1@gmail.com](mailto:shoray1@gmail.com) Tel: 0701502011

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

Söndagen första  
maj 2011 från  
kl:16.00 till 22.00

**Kafé Marx**

Du hittar oss på Kungsgatan 84  
på Kungsholmen (in genom de  
två valven över gården till vänster)  
Närmaste T-bana är Rådhuset -  
sveväg Rådhuset. Från  
centralstationen är det en promenad  
på fem minuter.

## گزارشی کوتاه از تظاهرات حزب اتحاد کمونیسم کارگری واحد گوتنبرگ سوئد

به فراخوان واحد گوتنبرگ حزب اتحاد کمونیسم کارگری همراه با نیروهای سیاسی از ادیخواه مخالف اعدام تظاهرات با شکوهی در روز ۲۲ آوریل ۲۰۱۱ برگزار شد. شعار کوبنده "مرگ بر جمهوری اسلامی" بر فضای میدان طنین افکن بود. کریم نوری از حزب اتحاد کمونیسم کارگری و مونا دال از حزب کونیست ایران طی سخنرانی خود اعلام کردند- جمهوری اسلامی، رژیمی که برسکوی اول آدمکشان دولتی جهان ایستاده است، قصد دارد زندانیان سیاسی از جمله شیرکو معارفی و حبیب لطفی را در آستانه اول مه اعدام کند. هدف جمهوری اسلامی از اعلام این خبر و تلاش برای اجرای این جنایت، اینست که صدای آزادیخواهی کارگری را در روز کارگر خفه کند. تلاش میکند به امید و آرزوی صدها میلیون انسان در اینروز خون بپاشد. جمهوری اسلامی از روز اول با جنایت علیه کارگران و مخالفین سیاسی سر کار آمد و تا امروز با همین سیاست سر پا ایستاده است. باید تلاشهای جنایتکارانه حکومت اسلامی را متوقف کرد. کریم نوری بارها به افشای رژیم جمهوری جنایتکار اسلامی پرداخت و ضمن محکوم کردن اعدامها بر این نکته تأکید کرد که تنها با بزیر کشیدن این رژیم می توان این ماشین جنایت را متوقف کرد. این آکسیون موفق توانست توجه تعداد بیشماری از عابرین را به خود جلب کند و یکبار دیگر ممانشات دولتهای اروپایی و بخصوص سوئد با رژیم صد هزار اعدام را برای مردم سوئد افشا کند. برای دیدن فیلم و عکسهای آکسیون به لینکهای زیر مراجعه کنید.

<http://www.youtube.com/watch?v=uUNqReRPBQo>

<http://www.youtube.com/watch?v=fXX6VoAFm8w>

اطلاعیه مشترک به مناسبت اول مه،

## برندگان مزدی علیه سرمایه داری بپا خیزید!

میلیاردها انسان کارگر و محروم اسیر نظام سرمایه داری هستند. در این نظام کارگر از نظر سیاسی و حقوقی "آزاد" است اما دقیقاً این آزادی سیاسی و حقوقی بر اسارت اقتصادی اش بنا شده است. اگر طبقات محروم و فرودست در طول تاریخ اسیر برده دار و فئودالها و دستگاه مذهب و سلطنت و سلاطین بودند، کارگران در این نظام اسیر نظام مبتنی بر بردگی مزدی اند. اگر در عهد برده داری باید اسپار تاکوس ها قیام میکردند تا بردگان آزاد شوند، در دنیای سرمایه داری، بردگان مزدی نیز راهی جز انقلاب علیه برده داران جدید و قانون بردگی مزدی و نظم سرمایه داری ندارند.

عواقب بحران اقتصادی جهانی سرمایه داری برای ما کارگران نتیجه ای بجز اخراج، بیکاری، کاهش دستمزدها، و تشدید فقر و بیحقوقی نداشته است. این نظام بدون تهاجم به انسان کارکن اموراتش نمیگذرد. اگر در اروپای غربی سیاست عسرت اقتصادی را پیشنهاد میکنند، در کشورهایی که سرمایه داری مبتنی بر اختناق و استثمار شدید نیروی کار ارزان است، نسخه ریاضت اقتصادی با سرکوب سیاسی و جنایت مستمر سرمایه علیه کارگران همراه است. خیزشهای توده ای در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا چیزی جز انفجار اعتراض انباشته شده طبقه کارگر به سیاستهای وحشیانه سرمایه داری نیست. خیزشهایی که می رود به عمر دیکتاتورهای سرمایه در اشکال قدیم پایان دهد. نتیجه بحران جهانی اقتصادی و سیاستهای حکومتی سرمایه داری بار دیگر قویا تأکید کرد آزادی و رهائی بدون انقلاب کارگری و بدون استقرار سوسیالیسم توهمی بیش نیست.

ما در اول مه امسال بر سیاست انترناسیونالیستی، بر همبستگی جهانی کارگران در کشورهای بپاخاسته خاورمیانه و شمال آفریقا و کارگران در اروپا و آمریکا تأکید میکنیم. مناسبتهای امسال اول مه باید بر واقعیت اعتراض علیه سرمایه داری در چهار گوشه جهان و راه پیروزی این اعتراضات تأکید کند. ما با برافراشتن پرچم سرخ طبقه جهانی کارگر، در مقابل حکومتی سرمایه داری و در مقابل حکومت جهل و جنایت سرمایه داری اسلامی و موثلفین راست آنها، از آلترناتیو کارگری دفاع میکنیم. از آمریکای دمکرات تا اروپای صنعتی، از فرانسه و یونان و کره جنوبی تا مصر و تونس و لیبی و ترکیه و ایران، یک راه حل انقلابی وجود دارد. نظام سرمایه داری باید سرنگون شود و این تنها از طریق یک انقلاب کارگری ممکن است.

اول ماه مه را به طبقه کارگر جهانی و کمونیستها و سوسیالیستها در سراسر جهان تبریک میگوییم. فراخوان ما اینست در اول مه ۲۰۱۱ همراه با تحرک کارگران جهان علیه سرمایه همراه شوید! در صف اعتراض به سرمایه داری با سرود انترناسیونال و پرچمهای سرخ شرکت کنید! علیه ارتجاع اسلامی در ایران و در دفاع از راه حل کارگری بمیدان بیائید!

**کارگران جهان متحد شوید!**

**پر توان باد اعتراض جهانی کارگران علیه سرمایه داری!**

**زنده باد سوسیالیسم!**

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

جمعی از چپ های شهر کلن

آوریل ۲۰۱۱



اعدام قتل  
عمد دولتی  
است! اعدام  
باید بیقید و  
شرط لغو  
شود!  
حکومت‌های  
اعدام باید  
سرنگون  
شوند!



### زنده باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر

به تظاهرات‌های اول ماه مه در تورنتو و اتاوا بپیوندید!

تظاهرات در تورنتو:

زمان: یکشنبه اول ماه مه ۲۰۱۱، ساعت ۱ بعد از ظهر

مکان: Queen St West and Jamesons St (Parkdale)

تظاهرات در اتاوا:

زمان: یکشنبه اول ماه مه ۲۰۱۱، ساعت ۱ بعد از ظهر

مکان: مقابل پارلمان فدرال

برای ایاب و ذهاب از تورنتو به اتاوا می‌توانید با شماره تلفن ۴۱۶۷۲۷۸۵۸۳ تماس بگیرید.

تشکیلات خارج کشور حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد کانادا

### تظاهرات روز جهانی کارگر در هلند

اول ماه مه ساعت یک بعد از ظهر

Stadhuis, Coolensingel 40, Rotterdam

کسب اطلاعات بیشتر، جمال ارژنگ، 0685322174

تشکیلات خارج کشور حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد هلند

زنده باد اول مه!  
کارگران جهان متحد شوید!

در اول مه از اعتراضات کارگران اروپا و آمریکا علیه سیاست‌های ریاضت اقتصادی سرمایه داری و خیزش‌های انقلابی در کشورهای خارومیانه و شمال آفریقا حمایت کنیم!

جهان ما هنوز نیازمند تغییر است و این تغییر بنیادی تنها می‌تواند توسط انقلاب پیروزمند طبقه کارگر متحقق شود!

زنده باد انقلاب کارگری  
زنده باد سوسیالیسم

مکان: Järn Torget  
گوتهبرگ سوئد  
زمان: 14.00-9.00

اول ماه روز کارگر است! در اینروز نه شاهی تاجگذاری کرده، نه دین و آئینی آمده، و نه "ملتی" درست شده است.  
اول ماه روز فریاد نه به سرمایه داری و زنده باد انقلاب کارگری است!



جنایتکاران برخورد کنند و یا برای مدت طولانی بازداشت کنند، بخصوص اگر قرار نیست دیپورت شوند.

ما از دولت هلند می‌خواهیم که موارد زیر را فوراً انجام دهد:

۱- جمهوری اسلامی را بخاطر نقض حقوق بشر محکوم کند و ایران را بعنوان کشوری ناامن برای پناهجویان اعلام کند.

۲- آزادی فوری و بدون قید و شرط همه پناهجویان زندانی در هلند.

۳- عدم دستگیری پناهجویان در کمپهای پناهندگی.

۴- لغو فوری قانون جدید مبنی بر سرعت بخشیدن به رسیدگی پرونده‌ها با روش غیر تخصصی که هم اکنون اجرا میشود. پناهجویان باید این حق را داشته باشند که به خرج دولت وکیل خود را انتخاب کنند. سیستم فعلی فرصت کافی به پناهجویان نمیدهد که دفاعیه خود را سازمان دهند.

۵- کمپهای بسته شده که به بهانه صرفه جویی شمار بسیاری از پناهندگان را بی خانمان کرده باید باز شوند.

۶- کلیه پناهجویان باید از امکانات مالی مکفی برای زندگی مرفه، آموزش و خدمات پزشکی برخوردار باشند.

## بیانیه دفتر دفاع از حقوق پناهندگی حزب اتحاد کمونیسم کارگری ارائه شده به پارلمان دولت هلند، وزیر امور خارجه یوری روزنتال کمپین ۲۷ آوریل ۲۰۱۱

لیست بیحقوقی علیه مردم توسط جمهوری اسلامی تمامی ندارد.

بسیاری از مردمی که قربانیان این وضعیت بوده اند ویا علیه آن و علیه جمهوری اسلامی مبارزه کرده اند مجبور میشوند که ایران را ترک کنند و به کشورهای مثل هلند پناه ببرند. هیچ کس داوطلبانه عزیزان خود را پشت سر نمیگذارد و بطور دلخواه کشور را ترک نمیکند. پناهجویان انسانی هستند که این شرایط جهانی جمهوری اسلامی را با گوشت و خون خود تجربه کرده اند و مجبور به ترک کشور شدند. آنها الان در هلند هستند و باید از همه حقوق مدنی مانند هر شهروند دیگر برخوردار باشند.

بر طبق گزارشی از سازمان ملل که در وب سایت شان در سال ۲۰۱۰ منتشر کرده، بسیاری از سازمانها مانند عفو بین الملل و شورای نظارت بر حقوق جنایی، شیوه بازداشت پناهجویان قبل از دیپورت توسط هلند را مورد انتقاد قرار داده اند. بنا بر این گزارش از آنجاییکه پناهجویان جنایتکار نیستند مقامات هلند اجازه ندارند با آنها مانند

معترضین به سیستم و هرگونه بیان غیر اسلامی سرکوب میشود.

آنتیسم و سکولاریسم با حکم اعدام مواجه میشوند. سرکوب غیر مسلمانان به یک امر نرمال تبدیل شده است. بهاییان کشته میشوند و یهودیان در شرایط ترس از اینکه علیه آنها پاپوش دوخته میشود بسر میبرند. مسیحیان شهروندان درجه دوم قلمداد میشوند.

حق محاکمه آزاد و عادلانه وجود ندارد.

هیچ حق برای گرفتن وکیل، حق بیگناهی مگر اینکه عکس آن ثابت شود، هیچ محدودیت در دوران زندانی بدون صدور اتهام وجود ندارد. دستگیری های خودبخودی و بدون دلیل، اعتراف زیر شکنجه و یا اعترافات ساختگی، مرگ زیر شکنجه همه جزئی از پروسه حکومتی جمهوری اسلامی است.

کودکان از حق انسانی برخوردار نیستند.

کودکان کالای بزرگان و حکومت اسلامی تلقی میشوند. آنها را به صف جنگ، کار و جهنم میفرستند. کودکان ۵ ساله را در کوره های آجرپزی بکار مجبور میکنند. دختران ۹ ساله قانوناً به شوهر داده میشوند. کودکان حتی ۱۳ ساله ها به مرگ محکوم شده اند.

همجنسگرایان اعدام میشوند. به همین سادگی!

از آنجائیکه در ایران:

آزادی تجمع، تشکل و بیان وجود ندارد.

هیچ سازمان و حزب غیر اسلامی، اتحادیه کارگری، سازمانهای زنان، مطبوعات آزاد و مستقل تحت جمهوری اسلامی اجازه فعالیت و وجود خارجی ندارند. هر کس که بخواهد این تشکلات را سازمان دهد دستگیر، زندانی، شکنجه و اعدام میشود.

آزادی اتحادیه های کارگری وجود ندارد.

فعالین کارگری سرکوب میشوند. حداقل حقوق کارگران یک چهارم خط فقر رسمی است. هیچ حق بیمه بیکاری وجود ندارد. بسیاری از کارگران ماهها است که حقوق دریافت نکرده اند.

زنان شهروندان درجه سوم هستند و آپارتاید جنسی حاکم است.

زنان از وارد شدن به بسیاری فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی محروم هستند. حجاب اسلامی اجباری است. زنان و مردان در اتوبوسها، دانشگاهها و بسیاری از اماکن عمومی جداسازی شده اند. شوهران و برادران در خانه و خارج آن بر زندگی زنان حکمفرمایی میکنند. زنان بدون اجازه از اقوام مرد نمیتوانند سفر کنند. زنان حق طلاق و تکلف فرزندان را ندارند. این لیست بیحقوقی تحمیل شده به زنان تحت حکومت اسلامی تمامی ندارد.

## نه به اعدام!

"آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلاّد سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟"

کارل مارکس

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!